

DIRƏNİŞəsi

شماره یازدهم / دوره دوم / زمستان ۱۴۰۰ (۲۰۲۲) // تورکجه- فارسجا (ترکی- فارسی)

ویژه نامه شانزدهمین سالگرد تاسیس تشکیلات دیرنیش



۱۶ سال «دیرنیش»؛ گفتگو با اوزگور نبی از اعضای هیئت مؤسس تشکیلات دیرنیش

اهمیت تشکیلاتها و سازمانها در حرکت ملی آذربایجان

حرکت ملی و نیاز به گفتمان حقوق بشری

یادی از نسل کشی جیلولوق





Azərbaycan Milli Dirəniş Təşkilatı

Mart 2022

آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی

اسفند ۱۴۰۰



DİRƏNİŞ səsi

شماره یازدهم / دوره دوم / زمستان ۱۴۰۰ تورکجه- فارسجا (ترکی- فارسی)

صاحب امتیاز: تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان

ویژه نامه شانزدهمین سالگرد تاسیس تشکیلات دیرنیس

فهرست مطالب

۷.....	خیزش ملی علیه استعمار و استبداد با کار تشکیلاتی منسجم.....
۹.....	حرکت ملی و نیاز به گفتمان حقوق بشری.....
۱۳.....	دیرنیس تشکیلاتی نین بعضی اؤزلیکلری.....
۱۵.....	اهمیت تشکیلاتها و سازمانها در حرکت ملی آذربایجان.....
۱۸.....	موتشکیل موجاديله و دموکراتیک آنلاییش؛ تکجه چیخیش یولوموز.....
۲۱.....	«یسته دیگینیز یئره ینتیشمک اوچون یاواش یاواش ایره لیلهمک چاتماغین ان سرعتلی یولدور».....
۲۶.....	تحلیلی بر موقعیت و فعالیت های سازماندهی شده حرکت ملی آذربایجان و بررسی ابعاد آسیب شناسی آن.....
۳۰.....	یادی از نسل کشی جیلولوق.....
۳۴.....	۱۶ سال «دیرنیس»؛ گفتگو با اؤزگور نیی از اعضای هیئت مؤسس تشکیلات دیرنیس.....
44.....	(Güney) Azərbaycan Milli Diraniş Təşkilatının 16 İllik Ulusal Savaşında Umud Verici Işıqlar!.....
49.....	TÜRKİYE'DEN BİR MEKTUP.....

تشکیلات منسوبلاری نین یاز یلاری باغلی اولدوقلاری تشکیلاتین گؤرولرینی عکس اندیر

یاز یلاردا ۱۱ یشله نین یازیلیش طرز ی (اورتوقرافی) تشکیلاتلار و شخص لرین ترجیحی دیر

خیزش ملی علیه استعمار و استبداد با کار تشکیلاتی منسجم

وارد آن می‌شود و نهایتاً شورش و مقاومت این شعله در مقابل استیلای سرما، غالب خواهد آمد.

برای شکستن زنجیر استعمار، استیلا، نجات و باز ساخت بقاء یک ملت و تشکیل سیستم دولتی ملی و رساندن جامعه به سعادت و رفاه نیاز بلاشک به جمع‌بندی شرایط، کار تئوریک برای سازمان‌دهی، مقاومت، عصیان و گذار به مرحله‌های از استعمار و استیلا وجود دارد.

یقیناً در مرحله سازمان‌دهی و ورود به فاز مقاومت ملی، حاکمیت پلیسی و اتوریته سیاسی نیروی استعماری و استیلاگر، جذب و پرورش نیرو از بین طبقات مختلف مردم و پیشرفت مبارزه با سختی‌هایی روبرو و با کندی صورت گرفته و پیش‌قراولان تشکیلات و مبارزه، به‌صورت طبیعی با زحمات مختلفی روبرو خواهند شد که «باور به بنیان‌های فکری و ایمان به رهایی ملی» که از کار تئوریک جامع نشات می‌گیرد، سختی‌های خیزش

وقتی که ساختار و سیستم دولتمداری برخاسته از اراده ملی یک ملت با سرنیزه و چکمه‌های یک سیستم، فرهنگ و نظام سیاسی دیگر موردتهاجم و اشغال قرار گرفت و سپس شدیدترین سیستم آپارتایدی و آسملاسیون نژادی برای به اتمام رساندن «حیات و بقاء» و متلاشی کردن «تمامیت ارضی» آن ملت اجرایی گردید، اصل «حقوق دفاع از بقاء ملی و تمامیت ارضی» مشروع‌ترین موضوعی هست که باید بدان تأکید، اصرار و تکرار کرد.

در شرایطی، نیروی استیلاگر و استعمارگر «بقاء و حیات ملی و تمامیت ارضی» را تا لبه پرتگاه نابودی کشانده و انسان آن جامعه نیز در دستگاه عریض و طویل سرکوب پلیسی و آسملاسیون فرهنگی استتال و استعمار را به‌نوعی قبول کرده است، تلاش و مقاومت رهایی‌بخش برای شکستن زنجیر استبداد، استعمار و استیلا به‌مثابه روشن کردن یک شعله در یک‌شب سرد زمستانی در خانه‌ای است که سوز کشنده استعمار از هر درزی

قاجار و شروع دیکتاتوری فاشیستی رضاخانی هدف قرار گرفت و در سال ۱۳۲۵ اراده ملی و دمکراتیک آذربایجان به رهبری «مرحوم سید جعفر پیشه‌وری» با اشغال تبریز توسط ارتش شاهنشاهی تحت استیلا و استبداد ایران شهری‌ها و ارتجاع شعوبیه قرار گرفت. اگر عقب‌گردی به شانزده سال فعالیت و پایداری تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش) کرده و مؤلفه‌های سطور فوق را تحلیل کنیم، با تشکیلاتی روبرو خواهیم بود که با شرایط سخت و امکانات محدود و انواع کاستی‌ها با فداکاری و باورهای اعتقادی پیش‌قراولان، نیرویی را برای شکستن استعمار، استیلا و ارتجاع شعوبیه سازمان‌دهی و توانسته‌اند شانزده سال مقاومت ملی را پیش ببرند. در حاکمیتی توتالیتر مانند جمهوری اسلامی که سیستم استبدادی‌اش بسی خطرناک‌تر و پیچیده‌تر از سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۵۷ می‌باشد، پایدار نگاه‌داشتن یک تشکیلات و عبور از موانع و ضربات سیاسی و امنیتی، پاسخ‌گوی همه سؤالات عقیدتی و میدانی در کارنامه تشکیلات دیرنیش است. تشکیلات «دیرنیش» روح دمکراتیک کار جمعی را در این شانزده سال به‌خوبی مدیریت کرده و برنامه‌هایی برای آذربایجان آزاد دارد و شاید روزی به‌عنوان حزبی تأثیرگذار در فضای سیاسی آذربایجان ظهور پیدا کند. آنچه امروز بسیار اهمیت دارد مبارزه و روح رهایی تشکیلات دیرنیش علیه استبداد، استعمار، ارتجاع و استیلای حاکمیت فارس است که در طبقات مختلف جامعه بسط و گسترش یافته و حمایت از این مقاومت و پایداری وظیفه همه ماست.

برای شکستن استعمار و استیلا را آسان‌تر خواهد کرد. تشکیلات و پیش‌قراولان مبارزه علیه استعمار و استیلاگری در سیر مبارزات با چالش‌های مختلفی از جمله سیاه‌نمایی‌ها، لجن‌پراکنی‌ها، موازی‌کاری‌ها و فشارهای شدید اقتصادی و حتی خانوادگی و عاطفی روبرو خواهد شد. زندان، شکنجه، تبعید و یا مهاجرت اجباری بخش انکارناپذیر مبارزه که پیش‌قراول هزینه آن را به جان می‌خورد و متحمل می‌شود. همه این سختی‌ها وقتی در قالب یک سازمان، گروه و یا تشکیلات تحمیل می‌شود، پیش‌قراول مبارزه در مارا تن انقلاب و شورش متحمل‌تر و صبورتر می‌شود. تشکیلات و کار جمعی در فردای پیروزی قیام رهایی نیز راهگشای بسیاری از سختی‌ها است. کار تشکیلاتی و عقل جمعی نه تنها در زمان مبارزه بلکه پس از رهایی از استعمار نیز باید سرمشق قرار گیرد. انتخابات آزاد، مجلس، فعالیت احزاب و رسانه‌های مخالف و ... نتیجه اعتقاد به کار جمعی، عقل شورایی و اعتقاد به دمکراسی خواهد بود و تجربیات تلخ دیکتاتوری‌های بعد پیروزی تکرار نمی‌شود. تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش) که شانزدهمین سالگرد تأسیس آن را پشت سر می‌گذاریم از جمله نیروهای داخل جنبش ملی آذربایجان است که با اندیشه ملی و روح رهایی علیه استعمار و استیلا و ارتجاع، مراحل مبارزه را به‌صورت نسبی پشت سر گذارده است. بنیان‌های حیات و بقاء ملت آذربایجان بعد از کودتای ۱۲۹۹ و سقوط حاکمیت

حرکت ملی و نیاز به گفتمان حقوق بشری

اشاره کرد:

- کشور گشائی رومیان
- کشور گشائی مسلمانان
- کشور گشائی هیتلر

در هر سه مورد به راحتی و با کمترین بررسی اسناد و مدارک به جا مانده، میتوان فهمید که خود برتر بینی نژادی و دینی عامل اصلی حمله و تجاوز به دیگر ملل بوده و طبیعی است که در نتیجه تاخت و تاز و اشغال سرزمینهای دیگر ملل و غارت دارائیهایشان سود و ثروتی سرشار نسیب فاتحان گردد.

خوشبختانه انسان با پیشرفت و تکامل اجتماعی و فکریش به جایی رسید که در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ میلادی (مطابق با ۱۳۴۴/۸/۳۰ شمسی) کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی را در سازمان ملل به تصویب رساند. (هر چند باز تفکرات ارتجاعی به جا مانده از دوران جاهلیت انسان هنوز نیز در بین برخی دولتها و ملتها مانع تحقق کامل آن

دانشمندان و متفکران بسیاری، سالها تلاش کردند تا علت اصلی در گیریهای جوامع بشری را کشف نمایند و تنی چند از برجسته ترین نظریه پردازان توانستند، برای آن پاسخهائی بیابند که مشهورترین و شاید بتوان گفت علمی ترین آن، کشف مارکس میباشد.

اما آنچه که در این تئوری فراموش شده مسئله نژادپرستی و خود محور بینی انسان میباشد. هر چند سود، قدرت، ابزار تولید و... علتهایی بودند و هستند که قبیله ای (ملتی) را بر علیه دیگری شورانده، اما بدون خود برتر بینی و پست پنداشتن دیگری، یعنی تفکر نژاد پرستانه، امکان آن وجود نداشت تا فردی و یا قبیله ای (ملتی) به خود اجازه دهد صرفا به خاطر سود و کسب قدرت دست به جنایت و تجاوز بزند.

به باور (ما) عامل اصلی و پایه ای استثمار و استعمار، بیش از دستیابی به سود و ثروت، نتیجه تفکر نژاد پرستانه و خود برتر بینی است! برای مثال میتوان به نمونه های زیر

و شعارهای نژادپرستانه مخالفتی نکردند بلکه کوشیدند تا آن را حرکتی ملی و سیاسی و عکس العمل طبیعی مردم در برابر سیاستهای رژیم نیز معرفی نمایند؟! خوشبختانه به دلیل تکامل جامعه و رد تفکرات به جا مانده از قرون وسطی و تدوین و تصویب قوانین مترقی و ضد نژادپرستی از سوی جامعه جهانی چنین موضعگیری‌هایی هیچگاه از سوی مجامع بین‌المللی و ملت‌های جهان و بویژه ملل ساکن در زندانی بنام ایران مورد قبول قرار نگرفت .

متأسفانه متوهمین آریا پندار، نمی‌خواهند قبول کنند که در قرن انترنت و تبدیل جهان به یک دهکده! و در منطقه ای که بر روی باروت بنا شده چنین تفکراتی شاید برای استعمارگران و جنگ سالاران سود داشته باشد اما هیچگاه صلح و ثبات و امنیت و رفاه و بویژه آزادی و حرمت انسانی را به همراه نخواهد داشت و جالب است بدانیم که این را توده مردم دانسته ولی این مدعیان روشنفکری و پیشاهنگی به دلیل تعصب، لجاجت و مزدوری نفهمیده و یا نمی خواهند بفهمند!

حرکت ملی و نیاز به گفتمان حقوق بشری! بر خلاف روح و روش اصلی حرکت آزادیبخش ملی آریا بجان جنوبی که بر اساس حقوق بشر، برابری انسانها و نیز پایبندی به آخرین دستاوردهای حقوقی پایه ریزی شده، امروزه جریان‌ی در میان حرکت ملی رسوخ کرده که برای مقابله با نژادپرستان آریا پندار! از گفتمانی استفاده میکند که بر خلاف ماهیت حرکت ملی بوده و تفاوت ماهوی با آریا پنداران نداشته و مخالفتشان بیشتر

می شود اما به یمن پیشرفتهای شگرف در عرصه حقوق بشر، این جرثومه های ارتجاع و نژاد پرستی نیز قادر نیستند همانند سابق عمل نمایند، به همین خاطر و برای پنهان کردن هدف اصلیشان از شیوه و گفتمانی دیگر استفاده میکنند! بر خلاف سالهای گذشته، امروزه به یمن قبول حقوق بشر از سوی جامعه جهانی، حتی باورمندان به تفکر فوق ارتجاعی و ضد بشری خود برتر پنداری! برای پیشبرد سیاستهایشان از روشها و گفتمانی استفاده میکنند که مقبولیت و مشروعیت بین‌المللی و حقوقی داشته باشد. چرا که خوب میدانند در صورت بر ملا شدن چهره نژادپرستان از سوی مردم و مجامع حقوقی تردد میگردند، متأسفانه در برخی کشورها و بویژه در زندانی بنام ایران هنوز هستند کسانی که با سماجت احمقانه در صدد مشروع نشان دادن تفکرات مضر و ضد انسانیشان میباشند!

برای نمونه میتوان به تجمع چند هزار نفری نژادپرستان آریا پندار در شیراز اشاره کرد. (جالب است که بدانید در جمهوری اسلامی چنین تجمعاتی بدون اطلاع و رضایت دولت و نیروهای امنیتی تقریباً محال میباشد، گ.البته اعتراضات خیابانی بحث دیگری است و همگی خوب میدانیم که با آن چه برخوردی می شود). که در آن شعار های نژادپرستانه سر دادند (ما آریائی هستیم! عرب نمی پرستیم!؟). جالب آنکه کسی از به اصطلاح امت گرایان و روشنفکران چپ و راست و اپوزیسیونهای متنوع رژیم و نیز مدیاهای دولتهای استعمارگر نه تنها با این حرکت

تا با رخنه دادن چنین تفکراتی، حقانیت و مشروعیت حقوقی مان را خدشه دار ساخته و مانع از شناسائی و قبول حرکتمان از سوی مجامع حقوقی و افکار عمومی جهان گردند. زیرا خوب میدانند که در صورت شنیده شدن چنین صدائی بنام حرکت ملی، دیگر نمیتوانیم خود را قربانی نژادپرستی بدانیم؟!

بی شک هر ملتی وارث تاریخ خود با تمامی نقاط منفی و مثبتش بوده و گریز از آن ممکن نمی باشد، اما قبول نقاط منفی به عنوان افتخار و برجسته و تایید و حتی تاکید بر احیای آن با قوانین شناخته شده موجود در تعارض آشکار بوده و میتواند تبعات خطرناکی داشته باشد برای مثال:

- امروزه اگر رومیان و یا یونانیان با طرح این موضوعات که ما برتر و متمدن تر از دیگر ملل و آفریننده، فلسفه، هنر، موسیقی، معماری و... هستیم و ارسطو به درستی بردگی را تئوریزه کرده و ملل وحشی لایق بردگی ما بوده و هستند؟! چه جایگاهی در جامعه مدرن امروزی و حقوق بین الملل خواهند داشت!

- اگر اعراب و مسلمانان امروزه مدعی گردند که فتح سرزمینهای کفار و گسترش دین اسلام وظیفه هر فرد و دولت مسلمانی است؟! جنگهای خونینی راه خواهد افتاد که بزرگترین بازنده آن انسانیت خواهد بود!

- و یا اگر آلمانیها بار دیگر از هیتلر و سیاستهایش حمایت کرده و اشغال دیگر کشورها و کشتار بیش از پنججاه میلیون انسان را توجیه و خود را ملتی برتر از دیگران بدانند! میتوانند امنیت،

به رقابت شبیه میباشد تا مبارزه با تفکری مافوق ارتجاعی و منزوی از جامعه مدرن امروزی!

به باور (ما) همچنانکه در مقدمه کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی آمده :

- انسانها بدون تمایز نژاد و جنس و زبان و مذهب برابرند!

- انسانها در پیشگاه قانون برابر بوده و حق دارند علیه هر نوع تبعیض و هر نوع تحریک به تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند!

- سیادت و تفوق میتنی بر اختلاف بین نژادها مردود و اخلاقاً محکوم و از نظر اجتماعی غیرعادلانه و خطرناک بوده و تبعیض نژادی نه از لحاظ نظری و نه از لحاظ عملی قابل توجیه نمی باشد!

- بر اساس کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی و اعلامیه مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ راجع به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره (قطعنامه ۱۵۱۴ دوره پانزدهم مجمع عمومی) استعمار دیگر مشروعیت نداشته و تاکید بر آن بر خلاف روح حاکم بر حقوق بشر و میثاقهای بین المللی است!

و ...
به همین علت میبایستی با نحله های فکری منحرف و ارتجاعی، که با اهداف خاص به درون حرکت انسان محور و برابری طلبانه ملی وارد شده اند برخورد و منزوی گردند تا حقانیت ذاتی مبارزه ملتمان دچار خدشه نگردد. چرا که خوب میدانیم قدرتهای استعماری آفریننده تفکر خود برتر بینی آریایی و نیز دولت (نژادپرستان غالب) و اپوزیسیون (نژادپرستان مغلوب) در تلاشند

علاوه بر ملتش برای دیگر ملل ساکن در همسایگیش را نیز می‌خواهد.

مجامع بین المللی و افکار عمومی جامعه جهانی (بویژه ملت تورک آذربایجان و دیگر ملل ساکن در زندانی بنام ایران) میبایستی فرق ما با نژادپرستان غالب و مغلوب و نیز احزاب دست ساز تروریست را دانسته و متقاعد گردند که در فردای رهایی آذربایجان جنوبی به جای گسترش نا امنی و رواج کینه ورزی و خود برتر بینی، دولتی بر سر کار خواهد آمد که سر لوحه برنامه استراتژیکش پایان دادن به تفکرات نژاد گرایانه و سرمایه گذاری بر روی انسان و انسانیت می‌باشد.

رفاه، آزادی، پیشرفت و جایگاه فعلیش را در صحنه جهانی داشته باشد؟! و ...

دقیقا به همین خاطر است که حرکت ملی میبایستی نسبت به تاریخ خود نگاهی مدرن و علمی داشته و از افتادن به دام خود برتر بینی و حقیر شمردن دیگر ملل خودداری نماید چرا که قبول من برتر یعنی تایید دیگرانی حقیر تر؟! و این سر آغاز در غلطیدن به تفکر و گرایش خطرناک و مریضی خود بزرگ پنداری است که دیگر مورد قبول جامعه جهانی نبوده، و دنیای مدرن، انسانها را از هر نژاد، جنس و مذهبی برابر میداند!

امروزه دیگر قابل پذیرش نیست که کسانی کشور گشائی دیگران را غارتگری و اشغال نامیده و همین عمل از سوی خودیها را فتح، گسترش عدالت و... بدانند! به باور (ما) بهترین شیوه برخورد ملتها با تاریخشان، قبول آن با تمامی نقاط مثبت و منفی اش بعنوان بخش غیر قابل انکار تاریخ کشورشان می‌باشد. فراموش نکنیم که گذشته صرفا چراغی است برای رسیدن کم هزینه به آینده! و نه ایده آلی برای بازگشت به گذشته؟!

به همین خاطر لازم است تا کسانی که در اداره حرکت نقشی دارند، دقت نمایند که گفتار و کردار و شعارهایشان چگونه ای باشد که ملتمان و نیز جامعه جهانی به این نتیجه برسد که در صورت قدرت یابی این گفتمان و بدست گرفتن حق تعیین سرنوشت (استقلال) چنان جامعه ای را بنیان خواهد گذاشت که بر خلاف تفکر حاکم، برابری، عدالت، رفاه و امنیت را

دېرىش تشكىلاتى نىن بعضى اۆزلىكلىرى

گونئی آذربايجان مىللى اکتىوىستلرىمىزى ده ائنگىلهمىشىدېر. آنجاق ۲۰۰۰ نجى يىللردە گوندەلىك سورونلاردان داها درين دوشونلر اؤرگوتلشمه يه مىلنمىشىدېرلر. بللى تشكىلاتلار آراسىندا ۲۰۰۶ نجى ايلين ۱۹ مارتىندا ، آذربايجان مىللى دېرىش تشكىلاتى نىن يارانمىسى گونئی آذربايجان دمكراتىك دوؤلتچىلىگى اوچون اوميدلرى گوجلندېرمىشىدېر!

۱۶ ايل فارس شونىزمىنه قارشى موجادىله آپاران آذربايجان مىللى دېرىش تشكىلاتى، آرتىق آپارىجى تشكىلاتلارمىزدان بېرىسى اولموشدور.

سون اوچ ايلده داها ياخىندان ايش بېرلىكدە اولدوغوموز اوچون دېرىش تشكىلاتى نىن بعضى اۆزلىكلىرىنى ورغولماق اىستردىم :

- تئورىك و تروىجى فعالىتلرى: باتى آذربايجان مىللى مدافىعه كمىتەسى نىن يايىن اوراقنى توپراق نشرىهسى، دېرىش گنجلىگى درگىسى، تشكىلات ارقانى اولان دېرىش سسى درگىسى و باشقا

گونئی آذربايجانين اۆزگورلوگو و گلهجك دمكراتىك دوؤلتچىلىگى اؤرگوتلشمه و تشكىلاتلانماغا باغلىدىر.

گئرى قالمىش اۆلكه لردە توپلوم مىللى حاقلارىن، آزادلىغىن و نهايت حوزور و رفاهىن گۆيدن گلهجك يا يئردە تاپىلاجاق بېر بلىرسىز، پروفرامسىز پراقماتىست ليدرلردە آخدارار.

چاغداش دونيادا ايسه سؤمورگهچلىك و توتالىتر رژىملره قارشى، مىللى اىستك، دمكراتىك و آزادلىق آرزولارىنى، مبارزه نىن آز هزىنه سى ايله گؤنلى باشارىلىغىن، تشكىلاتلانمىش بېر يا نئچه اؤرگوتده و اونلارىن سىياسى رهبرىلىگى نىن سوروملولوغلارىندا آخدارار!

سون يوز ايلده دمكراسى دادىن دامامىش، شاه و شىخ دىكتاتورلوعوندا بوغولموش ايراندا دمكراتىك اؤرگوتله شمه قىرمىزى چىزگى سايىلير! دوغال اولراق تشكىلاتلانمايا خور باخماق، اوندان قاقچماق، اؤزونو باغىمسىز تانىياراق اؤرگوتلمه مەگى فخر سايقا چوخلو

اولموش و عىنى زاماندا فارس شونىزم رۇيى طرفىندىن دىنلەرگە تىرىلىش شانتاۋلار نىدىن اولموشدورا! چۈنكى دىرنىش گۈنىنى ئۆز بايجان گۈندە لىك سورونلارنى گۈنىنى ئۆز بايجاندا و دىجىتال دۇنيادا تىلىغاتى باخىمىندىن گۈندە دە ساخلاماقتا ان گۈلۈ ئۆز گۈنلىرىمىز دىندىر.

دىرنىش تىكىلاتى نىن ۱۶ جى ايل دۇنومۇندە ئۆز بايجان مىلى دىرنىش تىكىلاتى نىن مەركىزى شۇراسى، اويە لىر و سامپاتلارنى گۈنىنى ئۆز بايجان تور كۈنۈن مىللى آزادلىق حركاتى يولۇندا، فارس سومورگە چىلىك و شونىسى قارشىسىندا مەرزە و مۇجادىلەلرنى قۇتلا باراق، مىلتىمىزىن آزادلىغىنا دىك باشارىلارنى نىن دۇملى اولماسىنى ئۆزۈلايىرام. يولۇنۇز اچىق اولسون

يايىنلارنى، كىتابلار و گۈنىنى ئۆز بايجاننى پىرولمىلىرى حاقدا اولار جا يازىلار دىققەت ائىندە اچىقجا دىمك اولار كى بو گۈنە دىك گۈنىنى ئۆز بايجان ئۆز گۈنلىرى ئاسىندا ان چۈخ دۇملى تىورىك فەللىتلىر دىرنىش تىكىلاتى ورىندىن اولموشدور.

- تىكىلاتى فەللىت: گۈچكەن سىنتىرال دىمك راتىك پىرنسىپلرنى ايرلى سورمك اوچون ايللردىر تىكىلاتى قورۇلۇشلارنىدا چابا گۈستىرلىر. بىرنىسىل رەبلىك دىن داھا اۋتەسى مەركىزى شۇرانى اساس تۇتماقلىرى داھا اوزون و قالىجى چالىشمالاردا يول اچىشىدور!

- گۈنىنى ئۆز بايجان تۇپراق بوتۇلۇگو: كورد تىرور قۇوملىرى نىن باتى ئۆز بايجاندا تۇپراق ايدىعالارنى و تىرورىستى چابالارنى قارشى باتى ئۆز بايجان مىللى مۇدافىە كومىتە سى واسىطە سىلە گۈندە لىك مۇبارىزە ايرلى سورموشدور لىر و سورمىك دە دىرلىر.

- بىرلىك و ايش بىرلىكى رۇحىەسى: رىئال پىرورقاملاردا داياناراق اچىدەن گۈنىنى ئۆز بايجاننى مىللى سىياسى گۈچلرنى بىر ارادا اولمالارنى اوچون سون ايللردە اۋنملى چابالار گۈستىرلىر و گۈستىرلىر! اۋزلىكە «گۈنىنى» ئۆز بايجان سىياسى قورۇلۇشلارنى نىن امكداشلىق پلاتفورماسىندا» و عىنى زاماندا «گۈنىنى ئۆز بايجان تىكىلاتلارنى ايش بىرلىكى شۇراسى» ندا پىرنسىپلرنىن واز گۈچمە يىر ك اورتاق چىخارلارنى بولماق اوچون اۋنملى امكلىر و تىرىب و تىرمىك دە دىرلىر. بو ياناشمالاردا ياخىندان تانىق اولموشام!

دىرنىشچى يولداش و فكىرداشلارنىمىن بو اوزلىكلىرى بىرسىرا قىسقانچلىقلاردا سبب

اهمیت تشکیلاتها و سازمانها در حرکت ملی آذربایجان

و احزاب با ایدئولوژی و نامهای مختلف در مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی فعالیت کرده‌اند.

نگاه کلی به تاریخ احزاب و سازمانهای سیاسی ایران نشان می‌دهد که آذربایجانی‌ها در همه سازمانها و احزاب فعال در ایران (با هر ایدئولوژی و مرام سیاسی) نقش کلیدی بازی کرده‌اند. از احزابی با ایدئولوژی چپ همچون حزب توده گرفته تا احزابی با ایدئولوژی لیبرال. از طرفی تورک‌های آذربایجان هم در احزابی با مرکزیت تهران سازمان یافته‌اند، هم با مرکزیت تبریز. امروزه هم این مسئله قابل مشاهده است. هستند احزاب و سازمانهای وابسته به جریان مرکزگرا که آذربایجانی‌ها در آن عضو هستند و حتی رهبری آن را بر عهده‌دارند. در کنار این سازمانها، از دوران مشروطه تاکنون احزاب و سازمانهایی بوده و هستند که منافع ملی تورک‌های آذربایجان را در اولویت برنامه‌ها و اهدافشان قرار داده‌اند. مشخصه

آذربایجان و بخصوص تبریز، از همان اوایل شکل‌گیری اندیشه آزادیخواهی در ایران مهم‌ترین مرکز حرکت‌های سیاسی- اجتماعی بوده است. علی‌الخصوص نقش کلیدی و پیشرو آذربایجان در نهضت و انقلاب مشروطه نشان از دینامیزم سیاسی و اجتماعی آن دارد. احزاب و سازمانهایی که در این دوره در آذربایجان شکل گرفت در مدت‌زمان کوتاهی توانست در کل ایران تأثیرگذار باشد و انقلاب در سایه فعالیت‌های مردم آذربایجان به بار نشست. همچنین بعد از انقلاب مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷، آذربایجان و احزاب و سازمانهای سیاسی آن نقش کلیدی در مبارزه علیه استبداد دولتی و نیز استعماری داشته است. بخصوص در مبارزه علیه استبداد رژیم پهلوی آذربایجانی‌ها بیش از دیگر اقوام و گروه‌ها فعال بوده‌اند. فردای انقلاب ۱۳۵۷ هم اصلی‌ترین اعتراضات علیه رژیم جمهوری اسلامی در قالب فعالیت حزبی در آذربایجان شکل گرفت. از آن زمان تاکنون فعالین آذربایجانی در قالب سازمانها

بارز این احزاب مخالفت با مرکزگرایی بوده است.

سازمان‌ها و تشکیلات‌های مختلفی از همان اوان تشکیل دولت ملت ایجاد شده است و خوشبختانه آذربایجانی‌ها نقش کلیدی ایفا نموده‌اند و این نشان از روحیه جمع‌گرایی و آزادی‌خواهی محوری هست که توانسته‌اند فعالیت‌ها و مبارزات مفیدی را برای ملت‌ها خلق کنند

تاریخ مبارزات سیاسی تورک‌های ساکن در ایران و بخصوص آذربایجان جنوبی در صدسال اخیر فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. احزاب و سازمان‌های سیاسی فراوانی در این یک صدسال سعی در فعالیت و مبارزه علیه استبداد، استعمار و ظلم ملی در ایران کرده‌اند. برخی از این سازمان‌ها در مقاطع مختلف تاریخی بسیار اثرگذار بوده‌اند. با نگاه کلی به تاریخچه احزاب و سازمان‌های سیاسی آذربایجان جنوبی می‌توان گفت، هدف مشترک اکثر این سازمان‌ها برقراری دموکراسی در ایران، نیل به حاکمیت ملی تورک‌ها و بخصوص آذربایجان جنوبی بوده است. امروزه همه این احزابی که در جغرافیای آذربایجان جنوبی تشکیل شده است، مبارزه با ظلم ملی علیه آذربایجان جنوبی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. برخلاف احزاب و سازمان‌های دوران انقلاب مشروطه و قبل از انقلاب ۱۳۵۷، امروزه اکثر این احزاب صاحب ایدئولوژی ناسیونالیستی (تورک) می‌باشند. بخصوص تشکیلات‌هایی که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آذربایجان جنوبی شکل گرفت، اکثراً حول این ایدئولوژی شکل

گرفتند.

نمی‌توان ادعا کرد که همه این احزاب و سازمان‌ها مطلقاً تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین مطلقاً بی‌تأثیر بوده‌اند، البته اکثر این سازمان‌ها و احزاب متشکل از تعداد محدودی فعال سیاسی می‌باشد. حتی امروزه نام احزاب و یا تشکیلات‌هایی به چشم می‌خورد که بیش از یک و یا دو نفر عضو ندارند؛ یعنی تعداد فعالینی که فعالیت انفرادی خود را به هر دلیلی با اسم یک تشکیلات ارائه می‌دهند زیاد است. همچنین بعضاً نام احزاب و سازمان‌هایی به چشم می‌خورد که هیچ فعالیت میدانی و رسانه‌ای ندارند و صرفاً در بیانیه‌ها اسمشان به چشم می‌خورد. این‌ها بعضاً حتی وب‌سایت رسمی، اساسنامه، مرامنامه، چارت سازمانی، اعضای شورای مرکزی و... ندارند. خلاصه آنکه متأسفانه هستند احزاب و سازمان‌هایی که چیزی فراتر از یک نام نیستند.

با توجه به آنچه اشاره شد می‌توان گفت، اکثر فعالین حرکت آذربایجان جنوبی متأسفانه صاحب فرهنگ فعالیت سازمانی و حزبی و تشکیلاتی نیستند. حتی حزب، سازمان سیاسی، تشکیلات سیاسی و... در حرکت ملی آذربایجان به‌درستی تعریف نشده است. این مسئله را می‌توان یکی از اساسی‌ترین آفت‌ها و مشکلات حرکت ملی آذربایجان نامید.

نهایتاً به نظر نگارنده، برخلاف احزاب فعال در دوره مشروطه و احزابی همچون فرقه دموکرات آذربایجان، امروزه اساسی‌ترین مسائل و مشکلات احزاب و سازمان‌های سیاسی آذربایجان جنوبی را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد. البته نمی‌توان ادعا

کرد که همه موارد زیر شامل همه احزاب و سازمان‌های سیاسی می‌شود:

عدم شفافیت در ارائه لیست اعضا، شورای مرکزی، چارت سازمانی و رهبری حزب و سازمان سیاسی

رادیکالیسم و دگماتیسم در فکر و عمل
بیگانگی با واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی

جامعه آذربایجان جنوبی و ایران
عدم ارائه برنامه منسجم بر اساس

واقعیت‌های جامعه آذربایجان
عدم حمایت و ارتباط ارگانیک با ملت

آذربایجان جنوبی
عدم فعالیت میدانی در بطن جامعه آذربایجان

جنوبی
تمرکز در شبکه‌های اجتماعی و دنیای

مجازی
تمرکز در خارج از کشور و عدم وجود اعضای

فعال در داخل ایران
عدم وجود روحیه همکاری، تقسیم کار و

تلورانس
عدم درک مسائل و مشکلات روزمره مردم

عدم آشنایی با مسائل حقوق بین‌الملل و
نرم‌های جهانی

تقلیل فعالیت به انتشار بیانیه و اخبار
دست دوم

کمبود منابع مالی و سرمایه‌گذاری
عدم ارتباط ارگانیک با قشر روشنفکر و

تحصیل کرده
نبود و یا کمبود سواد سیاسی در میان اعضای

فعال و رهبری برخی احزاب و سازمان‌های
عدم حاکمیت دمکراسی درون سازمانی

موتشكىل موجدلە و

دەموكراتىك آنلايش؛

تكجە چىخىش

يولوموز

مجيد جوادى آراز

آزربايجان مىلى دىرنىش

تشكىلاتى مركزى شورا

عضوو

حاضرلايىر. فعاللاريمىز و قورولوشلاريمىز، بىر سۆزلە مىلى حركتيمىز، توپلومسال و مىلى بىلىنجىن اولوشماسى و يايىلماسى اوچون گرچكەن بۇيوك امك وئربىلر و آغير بدللر اۇدەيىلر. يعنى آچىق سؤيلهك گر كىرسە الدە ائتديگىمىز بو قدر قازانىم دا هزينەسىز اولمايىدەر و چوخلو چالشمالارين نتيجهسىدەر. اولوشان بو توپلومسال بىلىنجىن كۆلگەسىندە چوخ شئىلر دگىشىب و دگىشمە يە دوام ائدەر. ان بسىطى بودور كى آرتىق دونيا ايران آدلانان اۆلكەدە بۇيوك بىر تورك نفوسونو باشادىغىنى و قورتولوش موجدلەسى وئردىگىنى بىلەر و آرتىق هر يئرندىن قالخان چىخىب ائكرانلاردا و يا مئديادا مىلتىمىزى تحقير ائدە بىلمەر. صيرف بونلار بئله بۇيوك باشارى دەر.

يالنيز عئىنى زاماندا بىلمك گر كىر كى قورتولوش و اۆزگورلوگ اوچون مىلى بىلنج تك باشىنا يئترلى دئىيل. گلدېگىمىز دورومدا، بىر چوخ باشارىلاريمىز اولسا دا، نتيجهدە غايى اماجا داها اوزون و چتىن بىر

۱۲۰ ايله ياخىندەر (۱۹۰۵ - مشروطه اينقىلابىندان اعتباراً) كى مىلتىمىز آزادلىق، قانون حاكىمىتى و اۆز موقدراتىنا حاكىم اولماق اوچون موجدلە ائدەر. بو يولدا بۇيوك حركتلر باشلادىب و آغير بدل لر اۇدەسك دە نە يازىق كى الدە ائتديگىمىز بىر سونوج بوخدور. حله مىلت اولاراق ان آغير سياسى، توپلومسال و اىقتىصادى شرطلر آلتىندا ياشاير و اىستعمار، اىستىداد، فاشىسىم، شوونىسىم و ايرتيجاع تاپداغى آلتىندا ازىليرىك، تسلى مىز بودور كى مىلتىمىز اسكىيه نظرا داها بىلگىلى و داها اوياقدير و مىلى بىلىنجنمە دالغاسى هر كئچن گون داها دا گئنىش يايىلير. بو كى نيه كئچمىش ۱۲۰ ايلدە باشلادىغىمىز اۆزگورلوگ حركتلرى نىن هئچ بىرى سونوجا چاتمايىب ايرىجا بىر درين آراشديرما و اينجهلەمە قونوسودور. توپلومسال و مىلى بىلىنجىن اولوشماسى و گوجلنمەسى چوخ اؤنملىدەر و قورتولوشون زمىنى و اؤن شرطلرىنى

حاقلاری، لوبی چیلیک، مندیا، قادین، اوشاق و ایشچی حاقلاری، قیسا جاسی بوتون ساحه لرده اوزمانلاشمیش، سیستملی و موتشکیل شکیلده فعالیت شرطدیر. دوغال اولاراق موتشکیل و سیستملی موجدایله ده بیلینجلی و گونون شرطلرینه اویغون شکیلده اولمالیدیر. گونوموزده موتشکیل اولمایان، قوروم و قورولوشلاری فورمالاشمایان بیر حرکتین سونوجا وارماسینی تصور اتمک مومکون دئیل.

ایکینجی اؤنملی شرط ایسه دموکراتیک آنلایش دیر. دئسپوتیسم و توتالتریسم دوغو میلترلی نین آغیر خسته لیگی دیر. کی اوندان بیر شکیلده قورتولا بیلیرلر. اونا گوره ده چوققوردان چوققورا و قویودان قویویا دوشورلر. تورک اؤلکه لری، عرب اؤلکه لری، اسلام اؤلکه لری، اسکی سووئت اؤلکه لری نین چوخو بو خسته لیکن دولایسی هر زامان دیکتاتورلارین جاینغیندادیرلار. آنجاق تورکیه، اندونزی و مالزی کیمی قیسمده اولسا دمکراسی لرینی گلشیدیره بیلن اؤلکه لر بیر آز بو خسته لیکن قورتولا بیلیر بیر میقدار اؤز لرینی ایرلی چکه بیلیرلر.

بونو اونوتماق لازیم کی دئسپوتیسم و توتالتریسم اساسا توپولملارین خسته لیگی دیر. دئسپوت و دیکتاتور لیدر ایسه توپومون خسته ذهنیتی نین محصولدور. بونون ان یاخشی میثاللاری ایران، افغانستان و بیر سیرا اسکی سووئت تورک اؤلکه لری دیر. بیر اؤلکه ده و یا بیر توپولومدا لیدر و یا لیدرلرین

یولوموز وار و اساسدا میلتمیز و وطنیمیز حله اسارته دیر.

بیلیمک لازیم کی بوندان سونراکی سورج داها دا چتین و مشقتلی اولاجاقدیر. چونکو قارشیمیزداکی فاشیست و ایستعمارچی جبهه اولدوقجا یاخشی سیاست یورودور و اوستاجا مکیرلر قورور. اصلینه باخیرسا رژیم و اوندان داها فاشیست اولان موخالیفتی تهلوکه نین تام اولاراق فرقینده و اونا گوره آنادولو تورکلری نین ایفاده سی ایله دئسک «عجم کورنالیغی (مکیربازیغی)» نا یاراشان اویونلار قورور. یالنیز اینانیرام کی میلتمیز بو چتینلیکلری ده آشماغی باشا راجاقدیر. میلتمیز بو اویانلاری گوروب، اونلارین اویونا گلمه دن اؤز اویونونو قوراجاق قدر ذکی و باجاریقلیدیر چونکو. بو گون آزربايجان و تورک دوشمنلری گؤسترمه لیک و کنچیحی ایمتیازلار وئررک، سس سیز شکیلده و حیس ائتدیرمه دن میلی حرکتین آیاغی نین آلتینی بوشالتماغا چالیشیرلار. بو طبیعی کی بؤیوک بیر تهدیددیر. اما اویونو دوزگون قورارساق دورومو فورصته چئویره بیلریک و گونون سونوندا قوردوقلاری تله یه اؤز لری دوشرلر. آرتیق بو ساعاتدان سونرا بیزه دو یغوساللیقدان چوخ منطیق لازیم دیر.

میلی موجدایله میزی دوغرو ایستیقامتده ایرلی آپارا بیلمه میز و قور تولوش، اؤز گور لوگ و میلی سعاده چاتا بیلمه میز اوجون میلی بیلینجلمه و معاریفلنمه یه علاوه اولاراق ایکی آنا فاکتورا احتیاجیمیز وار؛ موتشکیل موجدایله و دموکراتیک آنلایش.

موتشکیل و بیلینجلی موجدایله دن مقصود طبیعی کی سادجه سیاسی موجدایله دئیل. کولتورل، توپولومسال، سیاسی، اینسان

اورتایا چیخماسی یاخشی بیر شئیدیر و مطلق لازیمدیر. یالنیز بو لیدرلرین توپلومدان آلدیغی جسارتله دیکتاتورلوقا بورونوب، اؤزونو حدسیز ایختیار صاحیبی گؤروب، قانونا و توپلوما قارشی مسؤولیت داشیمادیغی زامانلار کی سورونلار باشلاپیر. بیر چوخ زامانلار بۇحرانلار و فوق العاده وضعیتلر لیدرلره حدسیز اختیار و مسؤولیت سیزلیک حاققی تانیماغا بهانه اولور. بونو لیدر طلب ائدیر و توپلوم قبول ائدیر. یا خود لیدر طلب ائتمه میس توپلوم اؤزو وئریر. سای سیز تجروبه لر گؤستریب کی بو اؤلومجول بیر یانلیش دیر. چونکو بو حاقق بیر دفعه تانیاندان سونرا اؤنو بیر داها لغو ائتمک گنلده مومکون اولمور، نئجه کی بیر قانون بیر دفعه از یلیندن سونرا اؤنو بیر داها تام شکیلده اجرا ائتمک مومکون دئییل. اونا گؤره دیر کی مدرن چوخولجو (آزلیق حاققلاری نین قارانتی ائدیلدیگی) دمکراسی لرده لیدرلر داخیل هر کسین هر زامان و استثناسیز قانون قارشیسیندا سوروملو اولدوغو تمل بیر اصلدیر.

نتیجه اعتیباری ایله، میلی قور تولوش، اؤز گورلوک و سعادت اوچون میلی بیلنجلمه و معاریفلنمه ایله پاناشی ایکی اصلی اصلا اهمال ائتمه مه لیبیک؛ موتشکیل موجادیله ودمو کراتیک آنلاپیش.

«ایسته دیگینیز یئره یئتیشمگ اوچون یاواش یاواش ایره لیله مک چاتماغین ان سرعتلی یولودور»

احوال و روحیه نی یئترینجه یئتشمه میش و دنه بییمه (تجروبه) صاحب اولمامیش بیرئیلرده و توپولملاردا گۆره بیلیریک. هر بیر توپلوم ایسه -بو توپلوم بیر شهر اهالیسی ویا بیر میللت اولایلر- یئتیشمه میش و تجروبه سیزسه هیجانا قاپیلیب بیر عؤمورلوک یولو بیر گنجده گئتمه یه قالخابیلر. گنلیکله بو کیمی گیریشیملر ایسته نیلن سونوجلاری برابرینده گتیرمیر و بعضا فلاکتلرله سونوجلانا بیلیر.

بو مسئله یه بیر چوخ اؤرنکله ایشیق توتماق مومکوندور. آنجاق بورادا ۱۹۵۹- ۱۹۶۱ ایللری آراسیندا چین خالق جومهوریتینده گرچکلشمیش بیر اؤرنکله یئتینه جهیم. بعضی استاتیسیتیکلره گۆره ۴۵ میلیون، دیگر ایستاتیسیتیکلره گۆره ۱۵ میلیون چین خالقینین آجلیقدان اؤلومونه نندن اولان چین کمونیست پارتیسی نین انکونومییک قراری، چین دئولت باشقانی

بو جومله* سون زامانلاردا اوخودوقلاریمین و دوشوندوکلریمین اؤز تله نمیش بیر حالی اولایلر دئییه باشلیق اولاراق سئچدیم. نه دئمک ان قیسا یول اوزون اولان یولودور؟! جومله بیراز غریبه گلیر ایلك اوخوندوقدا آنجاق چوخ دوغرو و ذکیجه بیر تثبیتدیر. ائوت دوغرو دور. ایسته دیگیمیز یئره و آماجا اولاشماق اوچون دقیق و قیسا آدیملارلا صبرلی، تمکینلی و هیجانا قاپیلمادان بیر روح احوالی ایله ایره لیله مک آماجا چاتماغین ان دوغرو یولودور. بو ایسه بیرئی و هابئله توپلوم اوچون گنچرلی بیر قورال دیر. هیجانا قاپیلمیش دیققتسیزجه بؤوک آدیملار اتاراق سونوجا وارماق ایسته یین هر توپلوم ویا بیرئی (فرد) اوچون باشاری الده ائتمک موتملدیر آنجاق کسین دئییل.

یئتکین بیرئی و یا توپلوم آماجلارینا چاتماق اوچون ایکینجی یولو سئچهرک، دوغوسال حرکتلره و ایشلره گیریشمز. حالبوکی بیز بو

بوگونکو كیمی یوخسول دئییلدی. رنسانس دۆنهمیندن باشلایاراق باتی نین یوکسه لیشی و گلیشمه سی گونوموزه قدر فئودالیزمین چؤكوشو، مركاتالیزم دۆنمی، رفا ماسیون دۆنهمی، دنیز سفرلری، راسیونالیزم، بیلیمسل دئوریم، آیدینلانما چاغی و صنایعلشمه دۆنهملرینی بیر بیر آردا آردا گئچمه سی ایله مومکون اولموشدور. باتی نین رقیبی اولان دوغو و اؤزلیکله ایسلام دونیاسی، ۷۵۰- ۱۲۵۸ تاریخلری آراسیندا یعنی ایسلام دین آلتین چاغی دونیانین بیلیم و مدنیت مرکزی اولموش اولسا؛ ایندی باتی دونیاسی آرتیق دوردورولابیلمز بیر سویه ده گلیشیر و بو گلیشیم دوام آندیر. دوغونون بیر زامانلار رقیبی بئله سایمادیغی باتی و اروپانین گلیشه رک چوخ ایره لیده بولونماسی دوغو و اؤزلیکله اورتادوغو و ایسلام دونیاسینی قیسقاندیریر و هیستریک داورانماسینا سبب اولور. اونون اوچون ده دوغودا و اؤزلیکله اورتادوغودا یاشایان خالقلار اؤز لرینی داها یاخشی بیر سویه یه چاتدیرماق اوچون ان قیسا و سرعتلی یولو آختاریب سونو و آلتئرناتیوی بللی اولمایان دئوریملر، آیقلانمالار (قیام) و توپلومسال حرکتلره باش وورورلار. بیر طرفدن ایسه باتی اؤلکه لرینی اؤز گلیشمه میشلیکلرینین آنا مسببی کیمی ده یرلندیریرلر. بونون بیر اؤرنه یی ایران ایسلام دئوریمی. کمونیزم اؤیره تیلری و سیاساللاشمیش ایسلامین ترکیبی ایله باتی مدنیتینه قارشى بیر باش قالدیریش ایدی. بوگون ایران ۱۵۴۳ ایل بو سونو و آلتئرناتیوی بللی اولمایان ۷۹ دئوریمین سونوجونو گۆره ن ایران ۱۵ یاشایان خالق آرتیق باتی (با قارشى قارامسار گۆروش لری اولمایابیلر، آنجاق بونو

مائو زدونگ 'ون «بؤیوک آتیلیم» آدلی سیاستلری سونوجوندا اؤلکه ده اوچ ایل موددتینجه یارانمیش آجلیق و قوراقلیق بلکه اینسانلیق تاریخینده گرچکلشمیش نادیر بیر اینسانی فاجیعه دیر. مائو چوخ قیسا موددته چینی بیر تاریخ و اکینجیلیک اؤلکه سیندن صنایعلشمیش سوسیالیست توپلوما دؤنوشدورمک ایسته بیردی. سونوچ ایسه او ایللر اوچون بوگون تاریخ آرشیولرینده محفوظدور. اینسان اوغنونون دونیا تاریخینده بونا بنزر سرعتلی و قیسا یول ایله بؤیوک سونوجلار و ارماق ایستمه سی نتیجه سینده وئردیگی قرارلارلا یاراتدیغی بؤیوک و کچیك فاجیعه لرله دولدور. اؤرنکلر ایسه ساییسیزدیر. چوخ اوزاق مسافه یه و اوزاق تاریخه باش چکمک ده لازیم دئییل، اورتادوغو ۵۰ ایلده باش وئرن قیاملار، دئوریملر، چئوریلیشلر، ترور ائیلملری و بیر چوخ سیاسی اولایلارلا گۆز آتماقلا بو مسئله هر کسه آیدینلاشیر. توپلوملار آلتئرناتیوی و سونو بللی اولمایان ساواشلار، دئوریملره، ائکونومیک کامپانیالارلا قول چکی رکن ایسته دیگی آماجلاردان قات قات اوزاقلاشیر. اورتادوغو نون احوالی هامیمیزا بللیدیر. منیم آچیمدان اسکی زامانلاردان ان آزیندان اورتاچاغ دان (قرون وسطی) بری دوغو و باتی آراسیندا ساواش و رقابت دوام آندیر. بونون نندلرینی بورادا آچماق بو یازنین قونوسوندا خاریج دیر. آنجاق بو ایکی جغرافیانین گئچمیشینه باخدیغیمیزدا باتی بوگون اولدوغو کیمی هر زمان مرفه و زنگین دئییلدی و دوغو دا هکذا هر زمان

گنللیکله بو سیاسی پارتی لر و جریانلار عصیان سونراسی ایقتیدارا گلدیکلرینده، سیاسی ایقتیدارین نقصانلارینی دوزلمه‌سی و توپلومو اوتویپایا چاتدیرماسی اوچون خالقین دؤزوملو اولماسینی ایسترلر. اؤرنه‌یین ۲۸ آگوست ۲۰۱۷ تاریخینده علی خامنه‌ای آخوند طلبه‌لر بیغینجاغیندا دانیشماسیندا ایران اسلام جومهوریتی اوچون ایسته‌نیلن نقطایا و اسلام دئولتی و اسلام توپلومونون اولوشومونا چاتماغا هله چوخ یول اولدوغونو بیلدیرمیشدی.

بو کیمی ایفاده‌لرین و «هئج بیر زامان اولاشیلمایان او اوتوپیا» وعدلری بوتون توتالیتیر حکومتلرین لیدرلری طرفیندن دئییلیر. بونو نازیستلرده، فاشیستلرده و سوویتلر بیرلیگینده گؤره‌بیلیمک مومکوندور. سوویتلر بیرلیگی نده حکومتین پروپاگاندا ماشینی کمونیست توپلوما چاتمق اوچون خالقین بیرچوخ اذیتلره و یوخسوللوقا دؤزمه‌سی گر کدیگینی و داها چوخ چالیشماسی گر کدیگینی تبلیغ ائدردی.

بازنین بو بؤلوموندن سونرا باشادیغیمیز و عاید اولدوغوموز و اونو «گونئی آزربايجان» سسلندیردیگیمیز وطنیمیزین دورومونا باخیب، اورتادوغونون و ایرانین «ایاقلانما- دیکتاتورلوق» قیسیر دؤنگوسوندن (دور باطل) آیریلایلمه‌یین یولونو آریاق.

«گونئی آزربايجان» جغرافیاسیندا تورک کیملیکلی میلی بیلینجلنمه‌سیندن علاوه مودرن دونیانین ده یئرلرینی منیمسه‌مک «گونئی آزربايجان میلی حرکتی» ادلی توپلومسال آخیمین عنوانی آلتیندا گرچکله‌شیر. یعنی، گونئی آزربايجاندا

ورتادوغونون دیگر اؤلکه‌لرینده گؤره‌بیلیمک چوخ دا راحت دئییل. بیرچوخ اورتادوغو اؤلکه‌سی باتی مدنیته شیطان یوواسی و بوتون پیسلیگین قاینغی کیمی باخیر. افغانیستاندا طالبان ایقتیدارا گلمیشسه اونون آرخاسیندا موجود سوسیال تابان دسته‌یینی دانمق مومکون دئییل. بو سوسیال تابان ۷۹ ایران دئوریمینده ده وار ایدی. بو رادیکال ایدئولوژیلرین سادجه بیر نئچه نفرین و یا کیچیک فیرقانیین ایقتیداری اله آلماسی دئییل کوتله‌نین دسته‌یی و ایاقلانماسی ایله مومکون اولور. یعنی ساده دیل ایله دئسه‌ک دیکتاتورلار خالقین دسته‌یی ایله ایقتیدارا گئچیر.

بورادا توخوندوغوم قونولاری اؤزه‌تله‌مک ایستردیم. گیریش اولراق آماج گئدن ان قیسا یوللارین ان ساغلامی اوزون و گوه‌نلی اولانلار اولدوغونو وورغولادیم. توپولملارین و میللتلرین اوزون وعده‌لی هدفلره ان قیسا یولو سئچمکله فاجیعه‌لره اوزله‌شدیکلرینی و ان یاخشی حالتده ایسته‌دیگری هدفلردن داها دا اوزاقلاشدیقارینی دئدیک.

ورتادوغو توپولملارینین بو جور قیسا یوللاری سئچمکله اوزون یوللاری بیر گنجه‌ده گنچمک ایسته‌دیکلرینی و سورکلی تلاطم و فاجیعه‌لره اوزلشدیکلرینی قئید ائتدیم. بو خالقارین آنا سورونو ایسه فیکیر، ایده و دوشونجه اورته بیلمه‌مکدیر.

دئوریمچی، اوتوپیاتیک و سوسیالیست سایاگی سیاستله مشغول اولان بیرئیلر (لیدرلر) و سیاسی قورولوشلار گنللیکله توپلوما بیر اوتوپیا ویا باشقا دئییمله مدینه فاضله وعدی وئرملکه توپلومو آنی بیر عصیانا چاگیریب هر شئیین دوزله‌جه‌یینی سؤیلرلر. و یئنه

رئالیست یاخلاشیملاری (رویگرد) منیمسمه یه باشلادی.

بو تیپ سیاست آنلاییشی و دونیا گۆروشونه دایانان سوموت (عینی) و رئال هدفلر اوزه رینده چالیشما پوقرامی پلانلایان سیاستلر گونوموزده خالق طرفیندن داها چوخ رغبت گۆرمکده دیر. خالقین یاشامینی و معیشتینی، کولتور و رفاه سوبه سینی دولاییسسیز بیچیمده ائتکیله یین پلانلار و سیاسال-توپلومسال فعالیتلرین داها چوخ سایدا تعقیبچیسسی و ماراقلانانی اولدوغونو گۆره بیلیریک.

(گونئی) آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی ویا دیرنیش تشکیلاتی آدی ایله تانینان قورولوش، بوتون ضعف رینه باخما یاراق، هر زامان پراتیک سیاست یوروتمه یه و عینی زاماندا ایچینده دئموکراتیک اصلارلا یۆنه تیمه یعنی شورا و کوللکتیو بیلگه لیگه (عقل جمعی) دایاناراق حرکت ائتمه یه چالیشمیش دیر. بونولا بیرلیکده میلی حرکت چرچۆه سینده و یا ایران دا سؤمورگه چیلییه قارشسی موجدیله ائدن دیگر میلیتلرین سیاسی قورولوشلاریلا ایشبیرلیک ایچینده اولماغا چالیشمیش دیر. تشکیلاتیمیز دا باشلانغیجدا گنج اولدوغو دؤنمده بیراز اوتوپیاتیک و رادیکال و چوخ بؤیوک چاپلی ده بییشیملری سؤز قونوسو ائتمیش سؤیملرله اورتایا گلسه ده زامانلا پوزیتویست و رئالیست سیاستی منیمسمه یه باشلایب. آنجاق بو اوزون موددتلی قوتسال آماجلاریندان وازگئچدیگی انلامینا گلمز. گونئی آذربایجان سیاسی قورولوشلارینین گونئی آذربایجان جغرافیاسی چرچۆه سینده یاشایان تورک میلیتی نین قیسا موددتلی منافعینی ده چوخ دقیق ایزله یهرک فعالیت ائتمه لیدیر.

یاشایان خالق اۆلکه نین دیگر فارس اولمایان میلیتلری ایله برابر-عرب، کورد، گیلک، بلوچ، تورکمن، قاشقایی، لور و...- اؤز کیملیگی قونوسوندا بیلینجه نیر (شعورلانیر) و بو توپلومسال بیر آخیمما چئوریلیر. بو توپلومسال آخیم اؤز ایچهریگینی (محتوا) زنگینلشدیرمک اوچون برابرینده یئنی دونیانین ده یرلری اولان دئموکراسی، فمیزم، بیرئسل (فردی) اؤزگورلوکلر و سکولاریزم کیمی قاوراملاری منیمسمه ییر و «گونئی آذربایجان میلی حرکتی» عنوانی ایله مودرن دونیادا اؤزونو سرگیله مه یه و تانیتماغا چالیشیر.

گونئی آذربایجان اولوسال حرکتی ۹۰ کی ایللرینده بابک قالاسی یوروشلری ایله باشلایب چوخ ائنیشلی یوخوشولو بیر یولدان گئچمیش گونوموزده قدر دوام ائتمیش دیر. بو ایللر عرضینده بیر چوخ تاکتیک و استراتژی بیر سیرا قوروملار و گروپلار طرفیندن اورتایا قویولدو. بعضا بو قوروم و تشکیلاتلار بیر آریا گلیب بعضا ده بؤلونه رک حتی اوزون سورهلی آنلاشما زلیقلارا (اختلاف) یول آچدی. هر بیر راسیونال و الشدیره ل باخیشا صاحب اولان قوروم اؤز موجدیله و فعالیت کارنامه سینه باخدیییندا ضعیف و گوجلو نوکتالارینی بلیره ییب تاکتیک لرینده و سؤیله مینده ده بییشیمه یول وئیر. طبیعی دیر کی میلی حرکت بیر گنج حرکت اولدوغو اوچون باشلانغیجدا هیجانلی و رادیکال سؤیملره یاناشاراق سرعتلی و قیسا شکیلده چوخ بؤیوک اوتوپیاتیک مقصدلری اؤزونه آماج ائتسه ده، زامان گئچدی کجه پوزیتویست، راسیونال و

بیرلیک چابالاریندان سایلماقدادیر. بو بیرلیگین دواملی اولماسی، گوجلمه‌سی و داها اورگانیزه بیر یاپییا چئوریلمه‌سی ان ایچدن و صمیمی دیله ییمیزدیر. طبیعی که دیرنیش تشکیلاتی قووت نقطالارینی بیلدیگی کیمی اؤز نقصانلارینی و نقطه ضعفلرینی ده یاخشی بیلیر و گوزلمه‌ییر. قورولوش ایچیندن و دیشیندن گلن الشدیریلری دیققتله ده یرلندیریب تکمیللشمه‌یه و گلیشمه‌یه چالیشیر. دیرنیش تشکیلاتی ۱۹ مارت ۱۷ یاشینا گیریر. بو قوتلو گونو تشکیلاتین اوبه‌لرینه، سمپاتلارینا و آزربایجان تورک میلیتی نه ان صمیمی دوغولاریملا تبریک ائدیرم.

• سؤزون عاید اولدوغو؛ آمئریکالی آکتور آندری دو شیلدر

سادجه اوزون موددتلی ان قوتسال آماجیمیز اولان ایستیقلال و بیرلشیک آزربایجان دئییل؛ بوگون گونئی آزربایجان شهرلرینده کندلرینده یاشایان خالقین معیشت دورومونو تعقیب ائتمک، آزربایجان استانلاریندا میلی و معنوی ثروتلریمیزین نجه و نه شکیلده تالان ائدیلدیگینی آراشدیرماق و سوموت یؤنتملرله مودافیعه ائتمه‌ییمیز گره‌کیر. باشقا سؤزله و ساده بیر دئییشله دئمه‌ک ایستهرسه‌ک؛ سادجه خالقیمیزا چاتماق ایسته‌دیگیمیز اوتوپادان دئییل، خالقین ان عئینی و حیسن ائتدیگی سورولاری و درلری دیله گتیرمک و دانیشماق لازیمدیر. ایران ایسلام جومهوریتی نین سؤمورگه‌چی و اورتاچاغ یؤنتملری ایله ایداره ائتدیگی اولکه‌ده یاشایان گونئی آزربایجان تورک میلیتی بوگون ان آغیر یاشام شرطلری آلتیندا، آشیری باهالیق و گنجلرین ایشسیزلیک مسئله‌سی، توپلومون اخلاقی چؤکوشه سوروکلمه‌سی، رژیمن گئتدیگجه داها دیگتاتورلاشماسی و قدارجا سانسور و قیسیتلامالار اوغولاماسی، گونئی آزربایجان مادی قاینقلارینی غارت ائتمه‌سی و بونا بنزر ظولملرین میلی حرکت فعاللاری و سیاسی قورولوشلاری طرفیندن گوندم سیاسی قونولارا چئوریلمه‌سی چوخ گره کلیدیر.

دیرنیش‌ین آزربایجان میلی حرکتی ایچینده دیگر سیاسی قورولوشلار اولان آزربایجان اؤیرنجی حرکتی (أزوح) و گونئی آزربایجان دئموکرات پارتیسی (گادپ) ایله بیر آریا گله‌رک (گونئی) آزربایجان سیاسی قورولوشلارینین امکداشلیق پلاتفرمو آلتیندا بیرلشمه‌سی و بیرلیکده حرکت ائتمه‌سی میلی حرکت ایچینده گرچکلهشن باشاریلی

تحلیلی بر موقعیت و فعالیت‌های سازمان دهی شده حرکت ملی آذربایجان و بررسی ابعاد آسیب‌شناسی آن

مقدمه و طرح مسئله

قریب به سه دهه از عمر جریان فکری موسوم به حرکت ملی آذربایجان می‌گذرد و این جریان فوق‌الذکر در طی این مدت فراز و نشیب‌های فراوانی را تجربه کرده و به شکل امروزی آن یعنی جریان فکری فراگیر با توانایی تحرک اجتماعی در سطح اجتماع آذربایجان رسیده است. هدف از این مقاله بررسی و تحلیل ویژگی‌ها و خاصیت‌های متمایز این جریان از سایر جریان‌های سیاسی در ایران بوده و نیز نوع متدهای مبارزه اعم از مبارزه تشکیلاتی برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت و شکست سیستم سانترالیسم حاکم در جامعه می‌باشد. به طوری که سعی بر پاسخ‌دهی و بررسی سؤالات و مسائلی از قبیل مبارزه مدنی چرا و چگونه؟ مبارزه مستقل یا تشکیلاتی؟ دلایل تشکیلات گریزی، تحلیل ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مبارزه و سؤالاتی

از این قبیل بوده‌ایم.

شرح مسئله؛

امروز در جغرافیای ایران جریان‌های سیاسی متفاوتی در قالب اپوزیسیون ظهور کرده‌اند که بخش اعظمی از جریان فکری فراگیر حرکت ملی آذربایجان جزو همین اپوزیسیون می‌باشد جامعه آذربایجانی دارای ویژگی‌های متمایزی از سایر نقاط بوده و متقابلاً همین جریان فوق‌الذکر نیز دارای ویژگی‌های متفاوتی از سایر جریان‌ها می‌باشد. برای تفهیم هر چه بهتر مطلب بایستی ابتدا دو نوع نگرش بنیادین در رابطه با ملت و حاکمیت را ارزیابی کرد.

۱- ملت عصاره حاکمیت است؛ ۲- حاکمیت عصاره ملت است؛

در نگرش نوع اول که ملت را عصاره‌های از حاکمیت می‌داند عموماً اعتقاد به: تغییرات و تحولات در جامعه و سیستم، به صورت بالا به پایین داشته و در این نوع نگرش جامعه هدف رأس حرم قدرت می‌باشد. نظیر

فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق.

اما نگرش نوع دوم که حاکمیت را عصاره‌های از ملت می‌داند و جامعه هدف را مردم و ملت تعریف کرده و تغییرات از پایین به بالا انجام می‌دهد. به‌مانند بسیاری از جنبش‌های مدنی.

گرچه امروزه یک مبارزه کامل در سطح یک اجتماع و نیز رسیدن به اهداف و نتیجه آن، انجام تغییرات و تحولات به‌صورت: بالا به پایین و هم از پایین به بالا را می‌طلبد و ناپستی از دیگری غافل شد لکن با توجه به نوع و شرایط حرکت ملی آذربایجان، عموماً کنشگران فعال آن جامعه هدف را ملت دانسته و تغییرات را از پایین به بالا می‌دانند.

هر مبارزهای مکمل از بعد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بوده و این دو در کنار هم شرط بقای یک جنبش یا سایر جریان‌های فکری را به‌طور نسبی تضمین می‌کند. حال بایستی ارزیابی کرد که ابتدا منظور از فعالیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری چیست؟ و ثانیاً آیا یک کنشگر اجتماعی (یا کارگذار تغییر) در یک جریان سیاسی می‌تواند مطلقاً به‌طور مستقل عمل کند؟ و در این صورت تعریف از فعالیت مستقل دقیقاً به چه معنا خواهد بود؟

فعالیت‌های نرم‌افزاری اکثراً شامل فعالیت‌های مدنی بوده و در این نوع از فعالیت‌ها قلم و کاغذ عمده ابزار کار کنشگران را به خود اختصاص می‌دهد. تبلیغات مستمر و حاضر سازی جو روانی جامعه برای اهداف کوتاه یا بلندمدت جزو فعالیت‌های این دسته می‌باشد و در کشورهای پیشرفته و دموکرات عمده این فعالیت‌ها را می‌توان زیر چتر قانون و در غالب نهاد مدنی به اجرا

درآورد.

و اما منظور از فعالیت‌های سخت‌افزاری؛ اکثراً شامل حضور در میدان مبارزه، اعتراضات میدانی و حتی گاه‌گاه متوسل شدن به زور و فشار فیزیکی برای مجبور ساختن سیستم غالب در جهت تن دادن به اهداف جریان سیاسی بوده است. در این مدل در پارهای از موارد استفاده از ابزارها و سلاح‌های سرد و گرم در جهت دفاع مشروع نیز قابل‌رؤیت می‌باشد.

مسئلاً انجام تمامی موارد ذکر شده لازم‌ه وجود تشکیلات و سازمان (یا تشکیلات‌ها و سازمان‌هایی) را طلبیده که امر مبارزه را طور جدی در اولویت اهداف خود پیگیر بوده و در این مسیر اقدام به کادر سازی کرده باشد. فلذا انجام چنین فعالیت‌هایی توسط یک کنشگر مستقل قابل‌مقایسه با یک تشکیلات سازمان‌دهی شده نیست و قطعاً یک جمع محفلی و صرفاً دوستانه توانایی سامان بخشیدن به موارد فوق را ندارد. پس وجود فعالیت‌های تشکیلاتی در جریان سیاسی و در طول مبارزه (مدنی یا غیر مدنی یا تلفیقی از هر دو) امری حیاتی و لازم است.

حال با این اوصاف تشکیلات گریزی در حرکت ملی ناشی از چیست؟ و به چه علت شاهد کمبودهایی در فعالیت‌های تشکیلاتی حرکت ملی آذربایجان و نیز در بعد سخت‌افزاری آن هستیم؟

برای پاسخ دادن به مسئله فوق ابتدا بایستی نوع جامعه آذربایجانی موردبررسی قرار گیرد. همان‌طور که در ابتدای مقاله عرض شد آذربایجان جنوبی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر نقاط ایران متمایز می‌سازد؛ سیر تاریخی

متفاوت تر و نیز جغرافیای سیاسی خاص آن، متمایز بودن این منطقه را بیش از سایر مناطق نشان می‌دهد. جامعه‌های که دارای جمعیت قابل توجه شیعه بوده، تمدن و شهرنشینی آن به مراتب متفاوت تر از مناطق بلوچ‌نشین، کردنشین و عرب نشین می‌باشد؛ قرار گرفتن در مسیر واگرایی و مرکزگریزی را به مراتب سخت تر می‌کند. گرچه روزگاری نه‌چندان دور آذربایجان و تبریز کانونی برای بسیاری از حاکمیت‌ها بوده است و تبریز به‌عنوان دومین شهر پرجمعیت و پیشرفته شناخته می‌شده و امروز وضعیت‌ی بسیار اسفبار تر دارد، باعث تظہیر این مسئله نخواهد شد ولیکن تأثیر بسزایی در روند اقعاع ساختن توده خواهد داشت.

با در نظر گرفتن حرکت ملی آذربایجان به‌عنوان جریان دموکراسی خواه و مرکزگریز، بخش اعظم جریان فکری حرکت ملی آذربایجان صرف فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شد و روند سیاسی شدن در آن به‌کندی صورت می‌گیرد. وجود تعدد تشکیلات‌ها با نفرات محدود نیز موجب تقسیم پتانسیل حرکت ملی آذربایجان در نتیجه باعث افول کیفیت این امر می‌شود. به همین سبب فعالیت‌های تشکیلاتی و سازمانی نیز با مشکلات خاص خود روبه‌روست. از این گذشته واکنش نهادهای امنیتی و مقابله‌ی آنها با فعالیت‌های تشکیلاتی و صدور مجازات‌های سنگین نیز از جمله مواردی به‌حساب می‌آید که امر فعالیت تشکیلاتی و سازمانی را با مشکل مواجه می‌سازد.

آلترناتیو و نتیجه‌گیری؛
 امروزه در جغرافیای ایران با توجه به از بین رفتن مشروعیت سابق حاکمیت و سیستم غالب، تغییرات سریع منطق‌های و عوض شدن موازنه قدرت در منطقه، مشکلات متعدد اقتصادی و مدیریتی کشور کثیرالملل ایران و نیز تبدیل شدن حرکت ملی آذربایجان به جریان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فراگیر در بین قشرها و طبقات مختلف جامعه آذربایجان جنوبی با توجه به توانایی تحرک اجتماعی نظیر تجمعات مراسم قلعه بابک و کوه‌پیمایی‌ها، تجمع ده‌ها هزاران نفر در بازی تراکتور و سردادن شعارهای هویتی، شرکت در اعتراضات خیابانی در جهت اهداف حرکت ملی آذربایجان مانند حمایت از عملیات آزادسازی قاراباغ که در چند شهر صورت گرفت و نیز اعتراضات ۲ مرداد تبریز و نیز همچنین عدم شرکت در اعتراضات جنبش سبز و سایر اعتراضات نشأت گرفته از مرکز، نشان از قدرت نفوذ این جریان دارد. پس در نتیجه امروز بیش از پیش رعایت اصل پلورالیسم، ارتقا تعامل و گفت‌وگو در بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف و نیز وجود تشکیلات پرنفوذ در داخل مرزها و بیرون از مرزها با رسانه‌ای فراگیر با توانایی سازمان‌دهی کنشگران در مجموعه عملیات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، به‌طور جدی احساس می‌شود. تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش) نیز به‌عنوان جزو تأثیرگذار حرکت ملی آذربایجان همواره بر ارتقا دیالوگ‌ها و اصل پلورالیسم در حرکت ملی آذربایجان تأکید داشته و در این امر پیش‌قدم بوده است.

پیر کے از

قاریج

یادی از نسل‌کشی جیلولوق

بوغاچ یورد سئون

عضو کمیته جوانان تشکیلات
مقاومت ملی آذربایجان
(دیرنیش)

آذربایجان که از سال‌ها قبل تحت ظلم و تحکم روس‌ها بود، در طول جنگ صحنه‌ی جدال قوای روس و عثمانی گردیده، ده‌ها هزار نفوس خود را بر اثر جنگ، قحطی و تجاوزات و تعدیات متفقین و مهمانان ناخوانده نسطوری و ارمنی از دست داد. با وقوع انقلاب روسیه، سقوط رژیم تزاری و به دنبال آن کناره‌گیری بلشویک‌ها از جنگ در اواخر سال ۱۹۱۷ م / زمستان ۱۲۹۶ ش، قشون روس آذربایجان را ترک کردند؛ ارمنی‌های حاضر در غرب آذربایجان نیز تحت‌الحمایگی انگلیسی‌ها را پذیرفتند. انگلیس بازگردان اصلی منطقه، باهدف پر کردن جای خالی روس‌ها در مقابل ارتش عثمانی در جبهه‌ی آذربایجان و برای جلوگیری از نفوذ عثمانی‌ها و آلمان‌ها به مستعمرات خود در شرق، همچنین جلوگیری از ارتباط آنان با مسلمانان ترکستان و افغانستان، درصدد تشکیل قشون مسیحی برآمدند. آنان به یاری و مساعدت متحدان خود، از جمله افسران فرانسوی و بقایای افسران قشون تزاری، میسیونر و کنسول آمریکا، به تجهیز جیلوهای فراری عثمانی،

نسل‌کشی جیلولوق، واقعه‌ای که سعی می‌شود از حافظه تاریخی ملت آذربایجان به‌خصوص اهالی غرب آذربایجان پاک شود اما این تلاش هرچقدر هم که مؤثر واقع‌شده باشد بی‌شک با تلنگری به هم خواهد ریخت. برای آگاهی بیشتر از وقایع آن دوره و نیز جلوگیری از فراموشی این نسل‌کشی در حافظه تاریخی ملت آذربایجان، مطالعه آن امری اجتناب‌ناپذیر است. با آغاز جنگ جهانی اول، اقلیت ارمنی، نسطوری و یونانی تبعه‌ی امپراتوری عثمانی که قرن‌ها تحت لوای صلح و سلم، تسامح و تساهل مذهبی این دولت، در کمال آسایش زندگی کرده بودند، فریب وعده‌های خام متفقین را خورده و با رؤیای استقلال و خودمختاری، بر ضد دولت متبوع خویش وارد جنگ شدند. نسطوری‌های ساکن مناطق کوهستانی شرق آناتولی (حکاری، وان به مرکزیت قوچانس) یکی از این اقلیت‌ها بودند که با شکست از قوای عثمانی، مجبور به ترک موطن خود شده و به ولایات غربی آذربایجان التجا آوردند.

کشتار و غارت گسترده‌ی مردم اورمیة زندند. با در هم شکستن قوای ارمنی در مقابل ارتش عثمانی، اورمیة در ۳۱ ژوئیه ۱۹۱۸ م/۸ مرداد ۲۲/۱۲۹۷ شوال ۱۳۳۶ ق توسط قشون عثمانی آزاد شد؛ و دوره‌ی شش‌ماهه‌ی یا به قول توفیق پنج‌ماه و بیست‌وشش‌روزه‌ی تعدیات، تجاوزات، قتل‌عام‌ها و نهب و غارت‌های جیلوها به سرآمد.

جدای از بلندپروازی‌های ارمنه نقش کشورهای غربی در نسل‌کشی ترکان غرب آذربایجان نیز به تأثیر نبود. اهمیت ژئواستراتژیک این منطقه که به‌عنوان پل طلایی دنیای ترک از آن یاد می‌شود، کافی بود تا دول غربی که ترک‌های را دشمن خود می‌دانستند در پی تجزیه دنیای ترک از ترکستان تا آنادولو برآیند. در مورد شرایط استراتژیک اورمیة و دخالت کشورهای بیگانه همین نقطه بس است که روابط مابین ممالک محروسه قاجار و آمریکا در سال ۱۸۳۴ میلادی از این شهر آغاز می‌شود؛ و اینکه واتیکان به‌جای تهران سفارتش را در اورمیة قرار می‌دهد. دقت کنید در همان سال‌ها یعنی اواخر قرن نوزدهم میلادی، دیگر میسیونرها و کنسولگری‌ها نیز پی‌درپی هم به اورمیة آمده و تأسیس شدند. برای نمونه میسیون کاتولیک فرانسه معروف به لازاریست‌ها در سال ۱۸۳۹ و در پی آن میسیونرهای انگلیس و لوترهای آلمان و هیئت‌های ارتدکس روس نیز به اورمیة سرازیر می‌شوند. میسیونرهای مسیحی در مرحله نخست با تأسیس درمانگاه و کارهای به‌ظاهر خیرخواهانه، با جلب نظر حکومت

ارمنه‌ی قاچاق وان و قفقاز مبادرت ورزیدند و این بار با وعده‌ی تشکیل دولت ارمنی در اراضی پیرامون دریاچه‌ی اورمیة آنان را اغوا کردند. این اقدام زمینه‌ساز فجایعی است که در تاریخ از آن بانام نسل‌کشی و ژنو ساید یا هولوکاست آذربایجان در جنگ جهانی اول یاد می‌شود. فجایع فوق که تاریخ بشر کمتر سراغی از همانند آن داشته، به مدت شش‌ماه، از اسفند ۱۲۹۶ تا مرداد ۱۲۹۷ باهدف تشکیل ارمنستان بزرگ از دریای خزر تا مدیترانه، در اراضی مسلمانان انجام می‌شد. در جریان این نسل‌کشی، ترکان غرب آذربایجان، علی‌الخصوص اهالی اورمیة، سلماس و سولدوز، به کرات توسط جیلوها و ارمنی‌ها قتل و عام شدند؛ بنا بر شهادت اسناد و منابع تاریخی متعدد، بیش از ۱۳۰ هزار نفر اهالی ترک آذربایجان به دست آنان کشته شد و تنها زمانی از پاک‌سازی قومی نجات یافتند که قشون نجات‌بخش و خلاص کار عثمانی که به یاری مردم هم‌تبار و هم‌دین خود آمد.

قوای عثمانی که فرماندهی کل آن با علی احسان پاشا بود، در اوایل می ۱۹۱۸ م/اواخر رجب ۱۳۳۶ ق/اواسط اردیبهشت ۱۲۹۷ ش در تبریز مستقر شدند و در پی آن کنسول‌های فرانسه و انگلیس نیز مجبور به ترک منطقه شدند. قشون نجات‌بخش عثمانی در ۱۸ ژوئن ۱۹۱۸ م/۲۷ خرداد ۱۲۹۷ ش سلماس را آزاد نمود. ترکان عثمانی اوایل تیرماه قوای ارمنه‌ی قفقاز تحت فرماندهی آندرانیک را در خوی درهم‌شکسته (۴ تیر / ۱۷ رمضان)، پیشروی خویش به‌سوی اورمیة را از سر گرفتند.

ارمنه خشمگین و متوحش در ۲۳ رمضان، بار دیگر برای آخرین بار دست به

بیان کرد. بهر حال موارد ذکر شده تنها بخشی از دخالت‌های دولت‌های استعماری به سرکردگی انگلیس، آمریکا، فرانسه و روسیه در منطقه استراتژیک غرب آذربایجان بود که در پی آن هزاران انسان بی‌گناه از صغیر و کبیر کشته شده‌اند. کثرت فجایع انجام گرفته توسط جیلوها با حمایت غربی‌ها بسیار فراتر از آن هست که در یک مقاله بتوان حتی به فهرست آنان اشاره‌ای کوتاه کرد، ولی متأسفانه با تمامی این توصیفها در کتب درسی ایران حتی یک جمله به این وقایع تلخ اختصاص نیافته است.

قاجار سعی در پیشبرد اهداف اصلی خود داشتند و آن چیزی نبود جز تشکیل یک کشور ارمنی در اراضی تاریخی آذربایجان و همچنین پیشبرد اهداف کلیساهای خود در دعوت به مذاهب مسیحیت.

دخالت‌های مستقیم این کشورها، علی‌الخصوص انگلیس و آمریکا، در قالب میسیونرهای مذهبی و حتی در موارد بسیاری از طریق شخص سفرا و کارگزاران رسمی سفارت‌خانه‌های کشورهای غربی غیرقابل کتمان است که نمونه بارز آن نیز حمایت‌های بی‌دریغ دکتر کاکران آمریکایی در فتنه عبیدالله و حمایت‌های مستقیم شخص کنسول انگلیس از عبیدالله است. کنسول انگلیس دقیقاً همان چیزی را می‌خواست که بر سر شهر قوشاچای آورده بود و ۱۰۵۰ نفر از اهالی بی‌گناه آن، به تدبیر کنسول انگلیس و به دست قوای یاغی عبیدالله قتل و عام شده بودند.

از میان میسیونرها نیز مستر شید را در درجه اول می‌توان نام برد که به سمت سفیر آمریکا نیز انتخاب شد تا با اختیارات تام نقشه قتل و عام مسلمانان را طراحی کند. وی در اولین گام با ترفندی که بکار بست چهار برج را از قوای قزاق و تفنگچیان دولتی به سبب مشرف بودن به کنسولگری آمریکا تخلیه و آن را تحویل قوای نظامی جیلوها داد که خود بیشترین نقش را در تشکیل آن داشت. اوج شقاوتش مستر شید با امضای فرمان قتل و عام بیش از ۱۰ هزار تن از مسلمانان اورمیه تنها در مدت ۱۲ ساعت در روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند سال ۱۲۹۶ شمسی می‌توان

مصاحبه

۱۶ سال

«دیرنیش»

گفتگو با اؤزگور نبی از اعضای
هیئت مؤسس و عضو شورای
مرکزی تشکیلات دیرنیش

۱- اگر مایل باشید ابتدا اطلاعاتی درباره تشکیلات دیرنیش، چرایی و اهداف تشکیل این تشکیلات، راهبردها و اهداف مجموعه و نوع فعالیتتان ارائه بفرمایید تا به سؤالات دیگر بپردازیم.

قبل هر سخنی در شانزدهیم سالگرد تأسیس و اعلام موجودیت تشکیلات دیرنیش سلام و درود می‌فرستم به همه شهدا، زندانیان سیاسی و مبارزان راه آزادی ملی آذربایجان و از هیئت تحریریه «دیرنیش سسی» تشکر می‌کنم که این فرصت را فراهم آوردند که بتوانیم در حد توان پاسخ‌گوی سؤالات باشیم.

به نظرم در خصوص چرایی و اهداف تشکیل تشکیلات دیرنیش، راهبردها و اهداف تشکیلاتی هم در بیانیه اعلام موجودیت، هم در مرامنامه و سند راهبردی و همچنین جزوات تشکیلاتی و برنامه و مصاحبه‌های مختلف که در شانزده سال گذشته در ارگان‌های تشکیلاتی نشر شده مسئولین و کادر مرکزی تشکیلات به‌صورت مبسوط سخن گفته‌اند. به‌طور خلاصه می‌توانم بگویم که بستر

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان یا در گفتار و نوشتار فعالان و مردم عادی «تشکیلات دیرنیش» در ۲۸ اسفند سال ۱۳۸۴ به‌طور رسمی شروع به فعالیت مبارزاتی مخفی در فضای سیاسی آذربایجان جنوبی کرد. طی ۱۶ سال فعالیت این تشکیلات حرف‌و‌حدیث‌های گوناگونی در رابطه با نوع فعالیت و سازمان‌دهی این مجموعه، شکل گرفت. برخی از این حرف‌و‌حدیث‌های در مقاطع زمانی مختلف توسط بنیان‌گذاران این تشکیلات جواب داده شد اما برخی تا به حال بدون جواب مانده است.

آقای اؤزگور نبی از اعضای هیئت مؤسس و عضو شورای مرکزی تشکیلات دیرنیش در گفتگو با مسئول نشریه «دیرنیش سسی» سؤالاتی که تاکنون در رابطه با تشکلات دیرنیش بدون جواب مانده را جواب داده است.

با سلام، از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار دادید متشکریم.

تشکیلاتی مخفی برای سازمان‌دهی مبارزات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ملت تورک آزربایجان اعلام موجودیت کرد که در اینجا بر خود وظیفه می‌دانم یاد و خاطر بنیان‌گذاران و هم‌زمانی که در سازمان‌دهی و هدایت تشکیلات نقش بی‌بدیلی داشتند و دار فانی را وداع گفته‌اند را گرامی بدارم.

۲- عنوان کردید که تشکیلات در آغاز، فعالیت مخفی را انتخاب کرد و در گذر زمان این فعالیت به صورت نیمه مخفی نمود پیدا کرد. دلایل انتخاب فعالیت مخفی در ابتدای راه و سپس گذار به فعالیت نیمه مخفی را می‌توانید به صورت شفاف و بسط یافته برای افکار عمومی شرح دهید؟

همان‌گونه که اشاره کردم مسئله آزربایجان و عموماً مسئله تورک در رژیم‌های پهلوی و جمهوری اسلامی در ردیف امنیتی‌ترین مسائل قرار می‌گیرد. تجارب جنبش مشروطه، خیابانی، حکومت ملی، حزب خلق مسلمان و فاز نوبن حرکت ملی آزربایجان به ما ثابت کرده است، جریان‌های تمرکزگرای فارس محور که حکومت را نیز در دست گرفته‌اند کوچک‌ترین فعالیت مستقل فرهنگی و اجتماعی در راستای مطالبات ملی را بر نمی‌تابند و به انحای بهانه‌های مختلف آن را سرکوب می‌کنند. ذهنیت تمرکزگرا نشان داده است در صورت لزوم تا حذف فیزیکی ناجوانمردانه نیز پیش می‌رود که

فکری تشکیلات دیرنیش را می‌توان در امتداد تاریخی تقسیم آزربایجان به دو بخش شمالی و جنوبی و مبارزات آزربایجان جنوبی در یک قرن اخیر برای آزادی، حاکمیت قانون و احقاق حق تعیین سرنوشت ملی باید تحلیل نمود.

با رشد جریان ملی در جنوب آزربایجان طی دهه‌های اخیر و تحولات سریع منطقه‌ای و گسترش امکانات ارتباطی، برخلاف گذشته که نحل‌های از هویت‌گرایی آزربایجانی در قالب اندیشه‌های چپ سراسری فعالیت می‌نمود، نسل جدیدی با اندیشه‌های ملی و آزربایجان وطن‌محور به امید کسب حق تعیین سرنوشت ملی پا بر عرصه گذارد. تشکیلات مقاومت ملی آزربایجان (دیرنیش) را می‌توان برآمده از این لایه جوان جنبش نوین ملی‌ارزبایی نمود که با تحلیل و جمع‌بندی ضرورت‌ها به‌سوی کار تشکیلاتی حرکت کردند. در شرایط خفقان و امنیتی ایران که مسئله آزربایجان در صدر حوزه امنیت رژیم هست بنیان‌گذاران تشکیلات که بعدها به هیئت مؤسسین تغییر نام یافت و با سیر تکامل سازمان‌دهی تشکیلاتی و انحلال هیئت مؤسسین به سیستم شورایی رسید؛ بعد از مدت‌ها کار تئوریک و فعالیت‌های میدانی، عقل‌جمعی، جذب نیرو و سازمان‌دهی حجره‌ای با استفاده از تجربیات ملت‌ها و جنبش‌های مختلف مانند ایرلندی‌ها، فلسطینی‌ها، چین‌ها، آچه و تیمور شرقی و سازمان‌دهی گروه‌های سیاسی منطقه قفقاز کار تشکیلاتی را شروع کرد. تشکیلات مقاومت ملی آزربایجان در ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ با اعتقاد به حق تعیین سرنوشت ملی، حق دفاع مشروع و بقا ملی با شیوه کار

مراحل مختلفی را با مسئولیت‌های علنی پشت سر گذاشت که اخیراً نیز با تصمیم شورای مرکزی وارد سیستم مدیریت شورایی شده است. به دلیل افزایش فزاینده فشارهای امنیتی که تلاش برای نفوذ فیزیکی و سایبری، تهدید فیزیکی، شانناژ و تخریب و شایعه‌پراکنی از مهم‌ترین آن‌هاست، ساختار مخفی و نیمه مخفی و دقت بسیار زیاد در عضوگیری همچنان از اصول اصلی تشکیلات دیرنیش است. در حال حاضر نیز با توجه به تمامی ملاحظات، تشکیلات به صورت شورایی رهبری می‌شود.

۳ - در گذشته تشکیلات دیرنیش دارای دبیر و سخنگو بود ولی اکنون به رغم اینکه برخی از اعضای بلندپایه تشکیلات با هویت آشکار و به نام تشکیلات فعالیت می‌کنند شما از رهبری شورایی سخن می‌گویید. دلایل این تغییرات چیست؟ یا اگر واضح‌تر بپرسم، تشکیلات به فعالیت مخفی سال‌های اول برگشته است یا سیستمی به غیر سیستم شورایی جوابگوی فعالیت نبود؟

می‌دانم انتظار دارید به خاطر تنویر افکار عمومی و رفع بعضی شبهات و حتی برخی شایعات که از منابع خاص امنیتی تراوش و بسط داده می‌شود پاسخ صریح و بی‌پرده بشنوید. بله واقعیت این است که اقتضاء و شرایط زمانی، سیاسی و امنیتی موجب شده است تشکیلات به یک تحول ساختاری و سازمانی برود. بعضی ارتباطات و افراد در ایزوله قرار گرفته و در عین حال برای رعایت

قتل عام ده‌ها هزار آذربایجانی در سال ۱۳۲۵، اعدام و تیرباران اعضا حزب خلق مسلمان و قتل روشنفکران آذربایجانی مانند شهید پرفسور محمدتقی زهتابی، مرحوم چنگیز بخت‌آور و مرحوم مهندس امانی نمونه‌های آشکار آن است.

بنیان‌گذاران تشکیلات به این اعتقاد رسیده بودند که برای برون‌رفت از فضای سرکوب، سازمان‌دهی مخفی و ایجاد شبکه گسترده اجتماعی در لایه‌های مختلف جامعه و کشاندن آن به خانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و خیابان‌ها نیاز به ارتباط و فعالیت مخفی دارد. با بسط مبارزات ملی در جامعه آذربایجان و قیام ضد فاشیستی خرداد ۱۳۸۵ تشکیلات به این تحلیل و جمع‌بندی رسید که صدای مبارزات ملی در خارج از مرزها نیز باید شنیده شود و در این مقطع تشکیلات اقدام به سازمان‌دهی کمیته خارج نمود که در سازمان‌دهی کمیته خارج نیز مبنا بر پایه فعالیت نیمه علنی کمیته خارج گذاشته شد.

یعنی تشکیلات دیرنیش همان قدر که در داخل بسته و مخفی است در خارج نیز اصول تشکیلاتی صرفاً اجازه علنی شدن تعدادی از کادرها را داد و تا به امروز این شیوه همچنان ادامه یافته است. بعد از ۱۶ سال فعالیت تشکیلاتی درستی کار تشکیلاتی غیرعلنی و نیمه علنی را می‌بینیم و به جرأت می‌توان گفت تشکیلات دیرنیش در زمره جریان‌هایی است که علیرغم همه حملات کمترین ضربه امنیتی را دیده است. در سازمان‌دهی کمیته خارج بارزای اکثریت، تشکیلات

فعالیت برخی از زیرشاخه‌های تشکیلات مانند کمیته مردمی دفاع از غرب آزربایجان که بارها در خصوص آن نوشته و صحبت کرده‌ایم برای رعایت اصول امنیتی و جلوگیری از ضربات امنیتی بود که می‌توانست کلیت تشکیلات را تحت تأثیر قرار دهد، به‌صورت اسمی به تعلیق در آمد. ولی طبعاً این به معنای توقف فعالیت‌های آن کمیته و یا شاخه نیست همچنان که فعالیت میدانی کمیته مردمی دفاع از غرب آزربایجان با تاکتیک و شیوه‌های مختلف دیگری سازمان‌دهی و به جرات می‌توان گفت ابعاد جدی‌تری به خود گرفت.

باید اذعان کرد که فشارهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی که رژیم وارد می‌آورد در فعالیت‌های برخی زیرمجموعه‌های تشکیلاتی بی‌تأثیر نبوده است. ولی باز تأکید می‌کنیم این به معنای توقف فعالیت‌های آن زیرمجموعه نیست بلکه بنا بر اقتضائات تغییرات تاکتیکی و تدابیر امنیتی مدنظر قرار می‌گیرند. کما اینکه کمیته‌ها و هسته‌های شهری، کمیته نشر، کمیته دانشجویی و شاخه جوانان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند.

۵- از کمیته مردمی دفاع از غرب آزربایجان نام بردید، صریح می‌پرسم، کمیته مردمی دفاع از غرب آزربایجان زیرشاخه تشکیلات دیرنیش بود؟

بله

اصول دمکراتیک و تصمیم‌گیری جمعی، تشکیلات وارد فاز مدیریت شورایی و فعالیت سلولی مستقل شده است. واقعیت این است که تشکیلات بارها در داخل و خارج هدف حملات امنیتی و حتی فشارهای دیپلماتیک قرار گرفت که برخی از آنان نه‌تنها در رسانه‌های تشکیلاتی بلکه در مراجع معتبر بین‌المللی درج شدند. ولی پاره‌ای از این حملات و فشارها به دلیل ملاحظات سیاسی و امنیتی رسانه‌ای نشدند؛ ولی شاید روزی بشوند. البته این حملات صرفاً به تشکیلات دیرنیش معطوف نبود بلکه بسیاری از شخصیت‌ها و تشکیلات‌های مخالف رژیم ایران در سیل حملات بوده و هستند ولی در زمینه ملل غیر فارس تشکیلات ما یکی از اهداف اصلی بوده است.

باور داریم که در فردای آزربایجان آزاد بسیاری از مبارزات و مجادله‌های امنیتی - سیاسی تشکیلات با شبکه‌های امنیتی و دستگاه‌های سیاسی جمهوری اسلامی بیان خواهد شد. جمیع این مسائل و نیز شرایط سیاسی حاکم بر حرکت ملی باعث شد تا تشکیلات تصمیم بگیرد تا مهیا شدن شرایط برای فعالیت علنی‌تر با مدیریت شورایی به مبارزات ادامه دهد.

۴- اشاره کردید به فضای فعالیت و اقتضائات زمانی، با در نظر گرفتن این موضوع، می‌خواهم بپرسم فعالیت و عدم فعالیت برخی زیرشاخه‌های تشکیلات نظیر کمیته کارگری، شاخه جوانان، شاخه زنان و ... نیز شامل اقتضائات زمانی می‌شود یا دلایل دیگر دارد؟

را شروع و با مدیریت شورایی تداوم یافت که فصل و گفتمان جدیدی را در جنبش ملی آذربایجان پدید آورد. فعالیت‌های کمیته تماماً با رایزنی و مشورت و عقل جمعی تشکیلات به پیش می‌رفت و تمام امکانات مادی و معنوی و رسانه‌ای تشکیلات در اختیار کمیته بود؛ یعنی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان با تصمیم تشکیلات دیرنیش تأسیس شد، با امکانات آن فعالیت کرد و با تصمیم تشکیلاتی با تغییر تاکتیک مبارزاتی فعالیت‌های علنی آن متوقف شد.

۷ - مدتی است که فعالیت‌های رسانه‌ای تشکیلات بیش از فعالیت‌های میدانی به چشم می‌خورد. آیا مسئله دلیل خاصی دارد؟

بله درست است. تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش) با درک اهمیت رسانه و شبکه‌های اجتماعی از بدو تأسیس و اعلام موجودیت به فعالیت رسانه‌ای و نشر جزوات و کتاب و مکتوب کردن تاریخ مبارزات اهمیت فوق‌العاده داده است و شاید بتوان گفت در این زمینه جز پیشروهای حرکت بوده است. تشکیلات کار رسانه‌ای خود را با استارت فعالیت رسانه‌ای خود با چندین وبلاگ مانند اورمو نیوز، اوپرنجی سسی، تبریز سسی، مرند سسی، قوشاچای سسی، سولدوز سسی و سراب سسی و... آغاز کرد. به‌گونه‌ای که پسوند «سسی» در تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به یک کلیدواژه تشکیلاتی تبدیل شده بود. چنانکه «دیرنیش سسی» به‌عنوان ارگان رسمی تشکیلات همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

۶ - شایعات زیادی در رابطه با فعالیت کمیته مطرح شد، یکی از آنها این بود که دیرنیش با نفوذ در این مجموعه آن را به دست گرفته است و یا دیرنیش به واسطه نفوذ گسترده خود در غرب آذربایجان مانع فعالیت مؤثر این مجموعه می‌شود. این تفاسیر چقدر به واقعیت نزدیک هستند؟!

ببینید در سؤالات دیگر گفتم که برخی حرف‌وحدیث‌ها نرمال است و حرکت ملی آذربایجان نیز به‌مانند سایر جریانات پر از حرف‌وحدیث است. ولی برخی شایعات کاملاً هدفدار و سیستماتیک از منابع امنیتی بسط داده می‌شوند تا تجمیع خبر و معلومات و اطلاعات انجام بگیرد. من صراحتاً عرض می‌کنم موضوع تأسیس کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در هیئت مؤسس تشکیلات دیرنیش مورد تحلیل قرار گرفت؛ زیرا مسئله غرب آذربایجان حتی قبل از اعلام موجودیت تشکیلات در صدر مبارزات طیفی بود که تشکیلات را سازمان‌دهی کردند. دو تن از کادرهای تشکیلاتی با صلاح‌دید هیئت مؤسس مسئولیت تشکیل کمیته را بر عهده گرفتند و به خاطر اینکه مسئله غرب آذربایجان درد مشترک است و همه نیروها در آن شرکت کنند با برخی از نیروها در داخل جنبش رایزنی و نشست‌های مخفی برگزار شد. این کمیته با نظر مثبت و حضور چند فعال سرشناس کار تئوریک و سازمان‌دهی

اقتصادی و اجتماعی است. این مسئله مستقلاً نیاز به بحث دارد. ولی کوتاه بگویم که در بسیاری موارد چنین آرامش‌های خفقان آمیزی آرامش‌های قبل از طوفان هستند و منجر به انفجارهای آنی و بزرگ می‌شوند.

۸- در زمینه فعالیت‌های رسانه‌ای، در رابطه با کاهش فعالیت تلویزیون اینترنتی آراز نیوز چه می‌توانید بگویید؟

همان‌طور که گفتم رژیم ایران و حتی اپوزیسیون فاشیست‌تر از جمهوری اسلامی با انواع فشارهای امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک و لابی‌گری سعی می‌کنند بر سر راه حرکت ملی آزربایجان سنگ بیندازند. ولی اینان باید بدانند سنگ انداختن در مقابل یک آب روان که از کوه‌های پراز برف سرچشمه می‌گیرد، شاید آن را موقتاً از حرکت بازدارد ولی در طی زمان انرژی و قدرت آن را افزایش می‌دهد و به یک سیل خروشان تبدیل می‌کند. شاید ما به دلیل فشارهایی که بنا بر ملاحظات نمی‌توانیم امروز بیان کنیم مجبور شویم تغییر تاکتیک دهیم ولی این به معنای پایان و یا توقف مبارزه نیست. حرکت ملی آزربایجان یک جنبش برحق با پشتوانه عظیم مردمی است و به‌مرور و با انباشت انرژی این موانع را درهم خواهد شکست.

۹ - به وجود فضای سکون در حرکت ملی آزربایجان و به‌طور کلی

تشکیلات اهمیت ویژه‌ای به جزوات تئوریک و دانشجویی می‌داد و می‌دهد. اگر شما به بخش نشریات سایت تشکیلات و همچنین آرشیو آراز نیوز رجوع کنید، می‌توانید آرشیو خوبی از تولیدات مکتوب دیرنیش را ببینید که این جزوات و کتب در بین جوانان و دانشجویان پخش می‌شد و امروز نیز چنانکه عرض کردم با توجه به شرایط و اقتضای زمانی و ورود به فاز مدیریت شورایی همچنان به رسانه و شبکه اجتماعی و نشر کتاب و جزوات تئوریک اهمیت داده می‌شود؛ یعنی منظورم این است که تشکیلات از بدو تشکیل به فعالیت رسانه‌ای اهمیت داده است و اکنون نیز می‌دهد.

ولی در رابطه با فعالیت‌های میدانی باید گفت دو عامل اصلی باعث شده است که تشکیلات تصمیم بگیرد در داخل با دقت بیشتری عمل کند. یکی فشارهای امنیتی رژیم است. چنانکه مستحضربید در سال‌های گذشته طیف‌های مختلف حرکت ملی ضربات امنیتی جدی خورده و متحمل هزینه‌های امنیتی سنگین شدند که به‌نوبه خود نشانگر آن است که رژیم شمشیر را در مقابل حرکت ملی آزربایجان از رو بسته و تغییر استراتژی داده است. حفظ کادرهای تربیت‌شده و امنیت اعضا از ابتدا از اولویت‌های تشکیلاتی ما بوده و هست. فلذا عملی که هزینه‌اش بیش از نفعش است در منطبق تشکیلاتی و مبارزاتی ما نمی‌گنجد. هزینه بایستی زمانی داده شود که در مقابلش دستاوردی کسب شود.

دوم فضای رخوت و رکود عمومی در فضای سیاسی آزربایجان جنوبی و ایران است که به‌نوبه خود یکی از نتایج بحران عمیق

فضای سیاسی ایران اشاره کردید، آیا وظیفه تشکیلاتها و احزاب سیاسی نیست که این فضای سکون را بشکنند؟ برنامه دیرنیش برای عبور از این جو چیست؟

در سؤالات قبلی هم عرض کردم، قبض و بسط فعالیت تشکیلاتها با شرایط حاکم بر جامعه ارتباط دارد. در دهه ۴۰-۵۰ شمسی تئوری این بود که تشکیلات موتور دینامیک جامعه است و چریک با فدا کردن خود استارت حرکت جامعه خواهد شد؛ اما دیدیم که این تئوری درست نبود.

در جهان کنونی که مثل قدیم نیازی به چاپخانه زیرزمینی نیست تا کتابها دست به دست بچرخد، هر گوشی دیجیتالی و فضای مجازی یک عرصه برای رساندن پیام است. در جامعه کنونی ایران فقر و بیکاری نای انسانها و خانوادهها حتی طبقه متوسط و دانشجو را گرفته است و همه درگیر معاش روزانه خود هستند. در این اوصاف تشکیلات وظیفه دارد با تکیه بر ابزار رسانه‌ای شبکه اجتماعی ایجاد کند، انتقال تئوری انجام دهد و ارائه راهکار کند، یقیناً در حرکت‌های خیابانی و پس از آن تشکیلات مسئولیت سازمان‌دهی و جهت‌دهی را داراست که باید برای آن برنامه مدون داشته باشد.

بعضاً انتظارات با امکانات و شرایط مطابقت نیست. کسانی که می‌پرسند تشکیلاتها در جنبش چه کار کرده و چه کار می‌کنند باید شرایط موجود را نیز در نظر بگیرند. طبعاً وظیفه تشکیلات جذب و پرورش

نیرو، لابی‌گری، کانالیزه کردن مبارزات، ایجاد همبستگی و همگرایی با سایر تشکیلاتها برای ایجاد جبهه مبارزاتی، رسانه‌ای کردن مبارزات و ... است. ولی در فضای فوق امنیتی ایران که عضویت در تشکیلاتها هزینه‌های سنگینی را بر انسانها تحمیل می‌کند و اوضاع اقتصادی رقت‌بار ایران، در مجموع موجب می‌شود بیشتر افراد جامعه از پذیرش هزینه گزاف فعالیت سیاسی حداقل به صورت مقطعی دوری کنند، آنچه تشکیلات می‌تواند انجام دهد تأمین و تضمین ادامه و استمرار جنبش است.

با این تحلیل و جمع‌بندی در فضای سنگین فعلی، تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان همراه با سایر تشکیلاتهای همسو با برنامه مدون در حال کار برای ایجاد همگرایی و همبستگی تشکیلاتها است که پلتفرم همکاری سازمان‌های سیاسی آذربایجان یکی از آنهاست. کار ایجاد شبکه اجتماعی، کار رسانه‌ای، کار تئوریک و جذب و پرورش نیرو را ادامه می‌دهد و باور دارد که در خروش انقلابی فردای آذربایجان این تشکیلاتهای جنبش هستند که مبارزات را کانالیزه خواهند کرد.

۱۰ - به تشکیل پلتفرم همکاری سازمان‌های سیاسی آذربایجان اشاره کردید، هدف و اقتضای تشکیل چنین پلتفرمی چه بود؟

پلتفرم همکاری سازمان‌های سیاسی آذربایجان تجربه بسیار موفق از همگرایی و همبستگی بین تشکیلاتهای حرکت ملی بود که بیلان

کادر مرکزی تشکیلاتها بود. به نظر من ملت آذربایجان در این دو تجمع پیام خود را به تشکیلاتهای حاضر در شورا رساندند و بعد از این تشکیلاتهای حاضر در شورا هستند که باید نقش تاریخی خود را بازی کنند. فاشیسم و ارتجاع از این شورا بسیار بیمناک است. به نظر ما تشکیلاتها و جنبش ملی آذربایجان مرحله تضاد و اختلافهای کذایی را پشت سر گذارده و به حدی از بلوغ رسیده‌اند که فاشیسم، ارتجاع و استعمار را با انسجام خود به لرزه درآورند و اگر احیاناً فرد یا جریانی در داخل شورا دنبال انحصارطلبی و خودخواهی باشد مطرود ملت خواهد بود.

۱۲ - آیا با شکل‌گیری شورای همکاری احزاب آذربایجان جنوبی، فعالیت‌های پلتفرم همکاری سازمان‌های سیاسی آذربایجان که باهمت تشکیلاتهای دیرنیش، آذوح و گادپ تشکیل شد، زیر سایه نمی‌ماند؟

خیر؛ زیرا هر کدام جایگاه خود را دارد. شورا یک جمع فراگیر است و روی مخرج مشترکها تأکید دارد. لذا چه بسا موضوعاتی هستند که باید توسط سازمان‌های همسوتر بدان پرداخته شود. از سویی شورا نیز یک اجماع عمومی ایجاد می‌کنند که به وقتش حیاتی است. لذا وجود پلتفرم نه تنها با شورا در تضاد نیست بلکه می‌تواند نقطه قوتی برای شورای همکاری باشد.

۱۳ - برگردیم به سال‌های اولیه

کاری‌اش نشان داد که تشکیلاتها با قرار گرفتن در کنار هم می‌توانند نتایج مثبتی بگیرند. پلتفرم همکاری سازمان‌های سیاسی آذربایجان نشان داد تشکیلاتها در حالی که استقلال فعالیت خود را حفظ می‌کنند می‌توانند تأثیرات فراوانی در لابی‌گری و انتقال مبارزات به بطن جامعه و همچنین به خارج از کشور داشته باشند. البته در شرایط کنونی فعالیت‌های مشترک‌های دیگری بین تشکیلاتهای جنبش ملی در جریان است که شاید بتواند نقش مؤثرتری در عرصه مبارات ملی بازی کند.

۱۱ - از فعالیت مشترک تشکیلاتهای آذربایجان جنوبی سخن به میان آوردید. در ماه‌های اخیر چندین بیانیه و اطلاعیه با امضای مشترک همه گروه‌ها و طیف‌های حرکت ملی منتشر شده است. چقدر امیدوار هستید که این همگرایی ادامه داشته باشد و تأثیرات آن در فضای سیاسی آذربایجان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شورای مرکزی تشکیلات دیرنیش هر زمان و در هر مقطعی از تاریخ مبارزه جنبش ملی همواره بر همگرایی و همبستگی تشکیلاتها و بسط روحیه تشکیلات‌گرایی اصرار داشته است. مذاکرات شورای همکاری سازمان‌های آذربایجان جنوبی که مشتمل بر ۹ تشکیلات است را به فال نیک می‌گیریم. فعلاً شاهد صدور بیانیه‌های مشترک از این شورا شده‌ایم و نتایج مثبت آن را در جنگ دوم قاراباغ و همبستگی با ملت عرب احواز دیدیم. این پیام روشنی از بطن جامعه به رهبران و

اطلاعیه‌ای از پرچم مبارزاتی پیشنه‌ادی خود صرف نظر کرد و پرچم مبارزاتی فعلی را قبول کرد. چه دلایلی سبب شد تشکیلات این تصمیم خود را تغییر دهد؟

شاید بتوان نام این را فقط گذشت و فداکاری در راستای مصالح گذاشت. پرچم یکی از مهم‌ترین نمادهایی است که باید تمثیل گر وحدت و یگانگی آن ملت باشد. پرچم در روزهای خوب و روزهای سخت باید بتواند افراد یک ملت را حول خود جمع کند. متأسفانه برای سال‌ها مسئله پرچم در حرکت ملی نه‌تنها منشأ اتحاد نبود بلکه منشأ اختلاف و افتراق بود. ولی در سال‌های اخیر با تصمیم‌های جسورانه و فداکارانه برخی از سازمان‌های آذربایجانی از جمله تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان این مسئله تا حدود زیادی رفع شده و یک اجماع نسبی ایجاد شده است که بنده معتقدم در آینده این اتحاد و اجماع تمام و کمال خواهد بود. ما معتقدیم آنچه مهم و حیاتی است مصالح مقدرات ملی است که اتحاد حول منافع ملی و مخرجهای مشترک از ملزومات آن است. لجبازی‌های شخصی و جناحی نباید در مقابل این مهم اهمیتی داشته باشد. هر کسی که می‌گوید در راه سعادت وطن و ملت مبارزه می‌کند باید روحیه فداکاری و گذشت داشته باشد.

۱۵ - آن‌هایی که با مسائل حرکت ملی و طیف‌های سیاسی آن در ارتباط هستند و فعالیت‌های آنان را تحلیل می‌کنند معتقدند این تغییر موضع موجب شکاف و ریزش نیرو

شکل‌گیری تشکیلات دیرنیش، برخی‌ها معتقدند دیرنیش خط‌مشی اولیه خود را پی‌گیری نمی‌کند و تغییر ماهیت مبارزاتی‌اش، موجب تصمیم‌گیری‌های نرم در قبال موضوعات مختلف از قبیل تشریک‌مساعی با دیگر اتنیک‌های حاضر در جغرافیای ایران، مناسبات با اپوزسیون فارس و مسائلی از این دست شده است.

مشی تشکیلات همیشه همان بوده است که در مرامنامه قید شده است. ما همیشه مدافع حق تعیین سرنوشت ملت ترک آذربایجان بوده‌ایم و این را منوط به رأی ملتمان دانسته‌ایم. تشریک‌مساعی با ملل تحت ستم در ایران، در عین احترام به حقوق متقابل همیشه مدنظر ما بوده است. آنچه شما نامش را تغییر مشی یا نرمش می‌گذارید شاید بتوان در اصل آن را پختگی و تجربه سیاسی و رفتار غیر هیجانی کادرها گذاشت. گواه این موضوع سند راهبردی تشکیلات است که در سال ۲۰۱۸ منتشر شد. به نظر من از نظر فکری و مشی تفاوت ماهوی بین مرامنامه ما که در ۲۰۰۶ منتشر شده است با سند راهبردی که در ۲۰۱۸ منتشر شده است وجود ندارد. ما طبعاً باید ضمن حفظ خطوط قرمز خود با نیروهای دمکراتیک ملل تحت ستم در ایران همکاری کنیم تا بتوانیم بر جبهه فاشیسم و استعمار فائق آییم.

۱۴ - تشکیلات دیرنیش با صدور

سال صداقت بین نیروها، فداکاری و تحمل سختی‌های مادی و معنوی و درعین حال مبارزه مخفی که هر لحظه می‌توانید از طرف سیستم امنیتی و یا عناصر سست‌نهاد افشا و دشینفره شوید. تحمل شنیدن تخریب‌ها و شانتاژها درحالی‌که صادقانه به راهتان ایمان دارید و به خاطر مصالح مبارزه سکوت می‌کنید. در یک اتاق زیستن و ندانستن که هم‌اتاقی‌ات با تو هم تشکیلاتی است و این موضوع را بعد از ده سال فهمیدن، متهم شدن به خیانت و جاسوسی و کسب مال نامشروع درحالی‌که برای پرداخت کرایه‌خانه معطل مانده‌ای، زندانی، تهدید، دربه‌داری، درحالی‌که مجبور به سکوت هستی، چون ایمان داری ملتت و وطنت زیر چکمه‌های ارتجاع، فاشیسم و استعمار له می‌شود و تاریخ وظیفه‌ای خطیر به تو و هم‌زمانت محول کرده است.

در تشکلات شد و بر فعالیت‌های آن تأثیر گذاشت. این گمانه‌زنی‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید.

طبعاً مانند هر تصمیم مهم و رادیکال این تصمیم نیز مخالفان و منتقدانی داشت و دارد. باور کنید رایزنی‌های این تصمیم بین رده‌ها، شاخه‌ها و کمیته‌های تشکیلات سال‌ها طول کشید. شورای مرکزی سعی کرد بدون عجله و با رایزنی‌های مداوم به یک اجماع عمومی برسد. طبعاً این تصمیم نه صرفاً از سوی شورای مرکزی بلکه با رایزنی با تمامی اعضا و هواداران تشکیلات گرفته شد و درنهایت در شرایطی اعلام شد که اکثریت مطلق اعضا و هواداران در داخل و خارج از کشور با آن موافق بودند. ولی به‌رروری دوستانی که تا آخر بر موضع خود ماندند، نظر، رأی و دغدغه‌هایشان برای ما قابل‌درک و محترم است. این دوستان همچنان دوست، هم‌سنگر و هم‌رزم ما هستند و ما همچنان مانند یک‌مشت گره‌کرده هستیم. من نام آن را ریزش نمی‌گذارم و معتقدم محافل مشخصی که سر در آخور مراکز خاص دارند و سال‌هاست عباراتی مانند ریزش، انشعاب، انحلال و مانند آن را تکرار می‌کنند سال‌های مدیدی باز تکرار خواهند کرد ولی به آرزویشان نخواهند رسید.

۱۶ - به‌عنوان سؤال آخر، فعالیت ۱۶ ساله دیرنیش را در چند سطر برای ما چگونه جمع‌بندی می‌کنید.

سؤال سختی است اما پاسخ شما را می‌خواهم از منظر جنبش ملی بدهم، ۱۶

Eldar Qaradağılı

Güney Azərbaycan Demokratik
Türk Birliyi (GADTB) Başqan
Yardımcısı

(Güney) Azərbaycan Milli Dirəniş Təşkilatının 16 İllik Ulusal Savaşında Umud Verici Işıqlar!

"Azərbaycan Milli Hərəkatı" canlı və dinamik bir doğəl gələşim olaraq öz içində geniş düşüncə kütləsi barındırmaqdadır. Sovet dövlətinin dağılması ilə yanaşı Quzey Azərbaycan cümhuriyyəti dövlətinin yenidən qurulmasıyla atəşlənən çağdaş Güney dirçəlişi yeni boyutlar qazanmağa başladı. 1990 lardan milli dirçəliş aşamasının təməlləri ilk öncə öyrəncilərdə, yavaş-yavaş isə çeşitli qatmanların içinə çəkilmis oldu. Həmin illərdən başlayan milli-qurtuluş ayaqlanmalar içində çeşidli milli-siyasi düşüncə qurumlar yaranmağa başladı. Fundamental farsçı rejimin ilk illərində İran mərkəzli

Fədai, Mücahid qurumlardan qopan kiçik milli qurumlar göründü. Hizbi Tudənin (İran Tude Partiyası) Əyalət Komitəsinə çevrilmiş "Azərbaycan Demokrat Firqəsi"nin rəzilliyini qəbul etmək istəməyən bir qrup isə, Dr. M.T. Zehtabi başçılığında "Müstəqil Azərbaycan Demokrat Firqəsi"ni yaratdılar. Daha önəmlisi isə, geniş Türk kütləsini arxasınca çəkən Ayətullah K. Şəriətəmədari öndərliyində "Xəlqi Müsəlman İslam Cümhuriyyəti Partiyası" faktoru ortaya çıxınca Güneyin bağımsız hədəfinin öngörüsü meydana çıxmağa başladı. Yuxarıda işarə olunduğu kimi

Quzey Azərbaycan Cümhuriyyəti dövlətinin yaranması ilə Güneydə böyük oyanış pöhlənişi baş verdi. Özəlliklə ölməz Ə. Elçibəyin bütövlük düşüncəsi və Güney qurtuluşunun bu düşüncə mərkəzində dayanması milli oyanışın boyudlarını olduqca dərinlərə daşdı. Fars irqçi rejimin farslaşdırma stratejisinin qarşısını almaq, fudamentalist rejimin gün keçdikcə panfarsizm ideolojisi içində əriyib faşistləşməsi gərçəyini Türk kütlələri dərk etməli idi. Elə buna görə, -1990cı formalaşan Azərbaycan Türkçü məfkürəsinə dayanan milli qurtuluşçu qurumların yaranması başlamış oldu. Azərbaycan Qurtuluş Təşkilatı (AQT), Azərbaycan Dirçəliş Təşkilatı (Dirçəliş), Demokratik Vahid Azərbaycan Təşkilatı (DVAT), Cənubi Azərbaycan Milli Azadlıq Hərəkatı (CAMAH) və bu kimi bir neçə qurum həmin illərdə yarandı. Sözsüz ki, gənc milli aktivlərin varolan təşkilatlara tənqidləri və ələşdiriləri olmalı idi ki, ardı-ardına yeni qurumlar yaranmağa başladı. -1995ci ilin İran məclis seçimləri sürəcində Təbrizdə yaranan seçim kampanyası danılmaz bir fakt kimi öz damğasını çağdaç Güney hərəkatına vurmuş oldu. Təbrizdən məclisə aday göstərilən "M.Ə. Çehreəqanlı" öz atəşin çıxışlarıyla

gənclik arasında böyük yanqı oyatdı. Seçimi ilk sırada qazanan, lakin şüubiyəçi məclisə buraxılmaq yerinə tutuqlanaraq zindana atılan Azərbaycan adayı, farsçılığa nifrətin genişlənməsinə nədən oldu. Elə həmin illərdə M.Ə.Çehreəqanlının liderliyində Güney mərkəzli islami-Federal təşkilat yaransa da uğursuz old. Lakin -2002ci ildən fəaliyyət göstərən "Güney Azərbaycan Milli Oyanış Hərəkatı" (GAMOH) öz çalışmalarını sürdürməkdədir. -2006cı ilin yazı Azərbaycan Türklüyü üçün kəskin fərqlənmə ili kimi Azərbaycan tarixində qızıl qanla yazılan çağ oldu. İran adlanan dövlətin rəsmi "İran" qazeti məsum uşaqları faşist amacına arac edərək "Azərbaycan Türk Milləti"ni bəşəri tarixdə örnəyi olmayan ihanətə məruz qoydu. Milyonlar Güney Türkü -10larca böyük, kiçik Azərbaycan şəhərlərində faşist irqçi rejimin təməlini sorğuya çəkərək qanlı qələmlə Türk -Fars cizgisini aydınlaşdırdı. "Haray-Haray Mən Türkəm" ayaqlanmanın astanasında yəni 19 mart -2006cı ildə Türk gənçliyi yeni bir təşkilatı dünyaya tanıtdırdı. Güney Azərbaycan Milli Dirəniş Təşkilatı (Dirəniş) yarandı. Dirəniş, çox keçmədən öz çalışmaları ilə "Azərbaycan Milli Hərəkatı"içində tanınmağa başladı. Dirəniş, 16 illik milli siyasi

çalışmasında təkçə mərkəzi gəlişmədə deyil, çox boyudlu bölgəsəl, mediasal, ideolojiksəl və gənclik alanında da çox önəmli addımlar atmış oldu. Dirənişin Batı Azərbaycanda gedən mərkəzi Tehran rejimilə terrorist Kürd qurumların ortağ oyunlarını ortaya çıxarmaq ilə "Azərbaycan Milli Hərəkatı"nın savunma təməlini olduca gücləndirdi. Kürd terrorizminin at oynatdığı çağda Dirənişə yaxın olan "Batı Azərbaycan Müdafiə Komitəsi"nin gecə-gündüz mücadiləsi terroristlərin canına qorxu, evi, yaşanı təhdid altında olan millətimizə ümid vermiş oldu.

AMDT və ya Dirəniş Təşkilatının hər gün dirçəlməkdə olan faktlarını aşağı özlərə bağlamaq olar:

1. Demokratik Qurumsallığa özən göstərmək: Sözsüz ki, İran adlanan faşist dövlət sistemi çərçüvəsində demokratik sözcüyünün qullanmaq belə, başlı-başına suç sayılmaqdadır. Təpədən-dırnağa faşizm eyitimi sistemində boya-başa çatmış kütlənin demokrat olma ehtimalı 1% dir. Belə var sayımla o ortamda oluşan siyasi qurumların da demokratik olması çox azdır. Bu fərziyə sadəcə Fars dilli mərkəzçi qurumlarda deyil, hətta Güney Azərbaycan milli-siyasi qurumlarda da açıq-aydın görünməkdədir. Sözsüz ki, yeri gəlincə Azərbaycan Milli

Hərəkatını içdən sökən belənci özfaktlara da toxunmaq gərəkdir. Ancaq, burada Dirəniş qonusu amaqlanmış və onu qonuşuruq. Azərbaycan Milli Hərəkatı İran cəhənnəmi içində yaranmış və hərəkat istiqaməti də həmin cəhənnəm içindədir. Bu psikojlojik fakt isə, Azərbaycan Milli Hərəkatı (AMH) içində olan qurumlara da hakimdir. Bu arada Dirənişin bir özəlliyi onun demokratik qurumsal olma yolunda çabasıdır. Dirəniş, Güney Azərbaycan qurumları içində demokratik qurumsallığa önəm verən örnəklərdən sayılır. Təbi ki, bu yolda Dirənişin ağır və uzun yol getməsi gərəkdir. Bir qurum içində demokratik gələniyin sisteme çevrilməsi çox ağır enerji istəyir. Bu, bir demokrasi savaşıdır. Bir qurum bu savaşı öz içində qazanabilməsə, onu kütlələrə verəbilməz. Dirəniş, demokratik yapılanma yolunda böyük addımlar atmış, atmaqdadır.

2. Mediasal çalışma: Araz News, Günəztv və ANT ilə birgə AMH-nin və onun 35 milyonluq macadiə səsinə dünyaya yayan önəmli görüntülü medialarından biridir. Araz News, qısıtlı imkanlarla AMH üçün önəmli media qaynağı olmuşdur. Araz News, internet mediası olmasına baxmayaraq düzgün, doğru, ardıcıl metodunu

sürdürərək gündəlikdən düşməmişdir. Bu isə, başlı-başına Dirənişin Güneydə güncəl qalmasına nədən olmuşdur. Sözsüz ki, media işi professional bir işdir. Bu iş para, kadr, bilgi, öngörü və güclü öndərlik istər. Bu faktlar olmadan bir medianın ayaqda qalması mümkün deyildir. Demək, Araz News çeşidli verilişlərilə illər boyu ayaqda qalıbsa Dirənişin bu alanda uğurlu olmasını göstərir.

3. Xoşgörülü davranış: Bütün olumsuz təpkilərə qarşı Dirənişin 16 illik ilgi bağları və ilətişim çabaları təqdire layiqdir. Belə ki, fars faşizminə qarşı, qardaş qurumlarla işbirliyinə əl uzatma, uzlaşma nöqtəsinə varmaq, bir anlamda isə təkəllikdən toplumsal alanda əl tapmadan mücadiləsi bulmaq Dirəniş üçün hər zaman gündəm olmuşdur. Sadə deyimlə Dirəniş 16 illik fəaliyyətində Güney Azərbaycan siyasi qurumları ilə xoşgörülü münasibətlərə, diyalog ortamına və birgə çalışmağa can atan təşkilat olmuşdur. Sözsüz ki, bu qonu da başlı-başına nisbi davranışlar olmuşdur.

4. BatıAzərbaycanMücadiləsi: Başda Bölgə sümürğənləri olmaqla küresəl güclərin Azərbaycan torpaqlarına dərin tamahları sınır tanımır. Batı Azərbaycanı da içərən

Türk torpaqları sümürğəçi dövlətlərin stratejik bölgəsi olaraq gündəmdən düşməməkdədir. Sözsüz ki, İrəqçı fars rejimi də öz qara ömrünü uzaltmaq üçün gizli əlləri ilə bu xayın eyləmin mərkəzindədir. Tehran rejimi üçün Güney Azərbaycan termini belə, dözülməz halə gəlmişdir. Oysə, Güney Azərbaycan Milli Hərəkatının gündən günə küresəlləşməsi faşist rejim üçün ölümcül ağır hökmü olaraq güclənəməkdədir. Bu üzdən rejimin Batı Azərbaycanda yola saldığı Kürd problemi senariyası ap-aydın bir anti Türk və anti Azərbaycan strategiyasına çevrilmişdir. Dirəniş, özünün bölgəsəl çalışmaları zaman-zaman Kürd terrorizmlə farsçı rejimin ortaq hərəkatlarını bəlgələrlə üzə çıxararaq millətimizi bu çirkin oyunun gedışıyla tanış etmə bacarığını göstərmişdir. Bu isə, Dirəniş adına böyük uğurdur.

5. Ulusal İdeyaya Dayanan Qurum: Özünü milli-siyasi qurum adlandıran hər hansı təşkilatın açıq-aydın milli ideyası olmalıdır. Dirəniş ilk addımlarıyla bu önəmli ilkəni öz təməlinə yerləşdirən milli qurumlardandır. Türkçü və bütövçü ilkələri ilə milli dava alanına ayaq basan Dirənişin, eyn zamanda strateji bəlləndirməsilə diqqətləri üzərinə çəkir. "Siyasət stratejini deyil, strateji siyasəti seçər!" düşüncəsilə

ulusal ideyanı yaşadan Dirənişin uzun dava yolu da buradan başlayıb sürməkdədir. Türkcülük, Azərbaycan davasının tükənməz gücü və ruhsal qudsallığıdır. Dirəniş üçün ulusal davanış rəmzi budur.

6. Siyasal Yazılım: Milli Hərəkatın qandamarı siyasal yazıdır. Azərbaycan Milli Hərəkatı, siyasal yazılım qonusunda can çəkişməkdədir. Bu duruma son vermək milli qurumların başlıca görəvidir. Azərbaycan Milli Hərəkatına bağlı olan milli qurumların yazılı siyasal ədəbiyyatdan uzaq düşməsi zalı kimi hərəkatın qanını sömürür. Təşkilatların öncəliyini media və yazılım yanaşı olaraq oluşturmaldır. Milli medianı yaşadan Türk dilli milli yazılımdır. Türk yazın, AMH üçün ən gərəken yön göstəridir. Bu üzədən, milli qurumların yazılı siyasal ədəbiyyatı mediaların özülüdaşı olmalıdır. Media yalnız gündəlik danışıqlarla, xəbərlərlə deyil, kəsinliklə milli qurumların yazılı bülətenləri, araşdırmaları, proqramları, dərgiləri, kitabları ilə zənginləşməlidir. Dirəniş, gənc, dinamik bir qurum olaraq bu alanda da bir çoxlarından fərqlənir. Lakin, bu qanıq verici fərqlik deyildir.

7. Güney və Bütöv Azərbaycan Dövlətçiliyini Amaclayan İstiqlalçı Qurum: Dirəniş öz tanıtımında Parçalanmış Azərbaycanın yenedən

birləşməsini və Güney Azərbaycanın öz dövlətçiliyinə yiyələnməsini ön görür. Birləşik Azərbaycan yurdu, başlı-başına Güneyin dövlətçiliyini və tam bağımsızlığını tələb edir. Bu işə, Dirəniş Təşkilatının təməl amacını imasızca ortaya qoyur. Dirəniş üçün şərti Güney İstiqlalı yoxdur, kəskin Güney İstiqlalı vardır! Ancaq, Güney Azərbaycanı demokratik və seçim yollarla dövlətçiliyinə qovuşdurmaq da varsayım yollardan biri kimi bu qurumun proqramında yer alır. Bu işə, olumlu gəlişmələrə yer vermək deməkdir. Halbu ki, bir çox Güney qurumları üçün bu xoşgörü İran adlanan dövlət çəmbərində yoxa çıxan demokrasi ruhu üçün bir kiçik varsayım belə, deyildir.

(Güney) Azərbaycan Milli Hərəkatı uğrunda qursal savaşı aparan (Güney) Azərbaycan Milli Dirəniş Təşkilatına uğurlar diləklərimlə.

TÜRKİYE'DEN BİR MEKTUP

Gökşen ULUKUŞ

Biz Anadolu Türkleri bin yıldır aynı coğrafyada yaşıyoruz. Yaşadığımız coğrafya, konumu itibariyle dünyadaki emperyal güçlerin her zaman hedefinde olmuştur. Devletimiz ve milletimiz yirminci yüzyıla geldiğinde eski heybetli günlerini kaybetmişti. O dönem “Düvel-i Muazama” olarak adlandırdığımız dünyanın bütün büyük güçleri anavatanımızı işgale başlamıştı. Bu işgal yıllarında Türk milleti genciyle-yaşlısıyla, kadınıyla-erkeğiyle, doğulusuyla-batılısıyla büyük bir mücadeleye vermiş ve bağımsızlığını kanıyla kazanmıştır. Büyük Türk, Gazi Mustafa Kemal Atatürk öncülüğünde ve Kuvayi Milliye'nin üstün çabalarıyla verdiğimiz Milli Mücadele, tüm mazlum milletler için bir umut

haline gelmiştir.

1925'te Kaçar Türk Hanedanı'nın yönetimi kaybetmesiyle yerine gelen Pehlevi Hanedanı, Türk kimliğini silmek için elinden geleni yapmıştır. Ama Türk'ün kültürünü, dilini, ülküsünü silememiştir. 1979'dan sonra ortaya çıkan İran İslam Devleti de Şah rejiminin tüm politikalarını silerken, Güney Azerbaycan'da yaşayan Türk milletini asimile etme noktasında aynı politikayı sinsice yürütmüştür. 1919-1922 arası Yunan işgalinde kalan İzmir'in o günlerde yaşadığı süreci, yaklaşık 100 yıldır Urmiye yaşamaktadır. 1919-1921 arası Fransız işgalinde kalan Antep'in o günlerde yaşadığı süreci, yaklaşık 100 yıldır Zencan yaşamaktadır. 1918-1923 arası İngiliz işgalinde kalan İstanbul'ın o günlerde yaşadığı süreci, yaklaşık 100 yıldır Tebriz yaşamaktadır.

Ancak yaklaşık 100 yıllık işgale rağmen Urmiye’de, Zencan’da, Tebriz’de Türkçe hala yaşamaktadır. Fars şovenizminin her türlü baskı ve zorlamasına rağmen Güney Azerbaycan Türk milleti sinmemiştir.

İnsanlık tarihi bize öğretiyor ki hürriyet hiçbir zaman verilmez. Mücadeleyle ve bedeller ödenerek kazanılır. Özellikle son 30 senedir Güney Azerbaycan’ın hürriyet için verdiği mücadele de bağımsızlığı hakettiğini kanıtlıyor.

Güney Azerbaycanlı Türk dildaşım, Türk soydaşım, Türk bacım, Türk gardaşım. Bugün Ankara’dan elim sana ulaşmasa da, sesim sana ulaşmasa da yüreğim seninle çarpıyor. Fars emperyalizmine karşı verdiğin savaşta ben de bir Kuvayi Milliyeci olarak, bir Türk olarak seninleyim. Unutma, uyuyan milletler ya ölür ya da köle olarak uyanır. Uyanmak ve uyandırmak bir Türk olarak görevindir. Bir Türk evladı ölümü, esarete tercih eder. Zincirlerini kır!

Son olarak Güney Azerbaycan’ın Kuvayi Milliyesi olan Azerbaycan Milli Direniş Teşkilatı’nın kuruluşunun 16. yılını tebrik ediyorum. Dilerim ki verdiğiniz mücadele ile Güney Azerbaycan’da bağımsızlık sancağını kaldırabilirsiniz.

سانماسينلار يىخىلدىق

سانماسينلار چۆكدوك

يىر باشقا باھار ايجين

سادجە ياپراق تۆكدوك

برای دسترسی به دیگر نشریات منتشرشده توسط تشکیلات دیرنیش
QR کد زیر را اسکن کنید.



آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی

www.diranish.org

www.araznews.org